

# روحانیت مبارز رهبری امام خمینی را تضعیف نکنید

جسارت بی‌سابقه در بیان خواست برکناری روحانیت مبارز از سکان داری انقلاب، توهین بی‌پروا به این روحانیت و ارگانهای که مستقیماً توسط این روحانیت و با شرکت توده‌های مردم تشکیل گردیده‌اند، و نیز به ارگانهای انقلابی که نقش مهمی، هم در پیشبرد مبارزه ضدامپریالیستی و خلقی و هم در مدافعه از روحانیت مبارز ایفا می‌کنند. بقیه در صفحه ۷

به روحانیت مبارز رهبری امام خمینی، که از مرکز واحدی چون «سیاه سازمان داده‌شده» آغاز گردید و بموازات گسترش و تعمیق انقلاب، به مراحل حادثی، گام نهاد. ویژگی یورش اخیر دشمنان انقلاب ایران به روحانیت مبارز بطور اعم و روحانیون برجسته و انقلابی، که موقعیتهای حساسی در جمهوری اسلامی ایران دارند، بطور اخص، عبارتست از: صراحت و

امپریالیستها، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، و تمامی وابستگان خارجی و داخلی آنها، به‌همراه شبهتنگان ایرانی «جهان آزاد»، آتش حملات خویش را بر روحانیت مبارز به رهبری امام خمینی، که ستون فقرات نیروهای رهبری کننده انقلاب ایران است، شدت داده‌اند. این هجوم کین‌توزانه و همه‌جانبه، که توسط کلیه بلندگوهای تبلیغاتی امپریالیستی چون صدای آمریکا، بی.بی.سی، رادیو اسرائیل و ارگانهای تبلیغاتی وابستگان به آنها چون رادیو بغداد و نیز بلندگوهای خائنین فرازی و توطئه‌گری چون اویسی و یختیار و از طرف کلیه وابستگان به امپریالیسم و پیروان «خط آمریکا» در ایران دنبال میشود، در دوران اخیر به اوج خود رسیده است.



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۸۲  
یکشنبه ۹ آذر ۱۳۵۹، مطابق با  
۲۱ محرم ۱۴۰۱، بها: ۱۵ ریال

## حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی:

### کشورهای عضو جبهه پایداری آماده هر گونه همکاری استراتژیک و تاکتیکی با ما هستند

با ما هستند. ما درباره همکاری در همه زمینه‌ها با هم صحبت کردیم، هم در زمینه نظامی، هم در زمینه فرهنگی، هم درباره همکاریهای اقتصادی و درباره

با شرکت دهها خبرنگار داخلی و خارجی برگزار میشد، گفت: «این دولتها بنا گفتند هر گونه حمایتی باید برای دوا این انقلاب بشود و آنها آماده هر گونه همکاری استراتژیک و تاکتیکی

حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی که به تازگی از سفر کشورهای سوریه، الجزایر، لیبی و لبنان، بازگشته است، در یک مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی که

حمله به روحانیت مبارز رهبری امام خمینی و تلاش برای تضعیف و بی‌اعتبار کردن آن به‌پیچوجبه واقعاً تازه‌ای نیست. از همان روزهای تدارک و انجام انقلاب ایران و بموازات گسترش مبارزات انقلابی مردم تحت رهبری روحانیون مبارز و انقلابی و در راس آنها امام خمینی و همراه با گسترش «خط» نسبت به منافع غارتگرانه امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا در ایران، حمله

## عملیات مدافعان انقلاب علیه دشمن تجاوزگر

رسیدند. همچنین یک دستگاه تانکر سوخت، ۲ دستگاه کامیون و دو دستگاه خمپاره‌انداز دشمن در منطقه آبادان منهدم گردید. ۳- قهرمانان ژاندارمری ارتش جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۶/۹/۵۹، ضمن عملیات خود، تعدادی سنگر و مواضع دشمن را در کانی‌سخت از بین برده و یک دستگاه خودروی نظامی و یک قبضه توپ ضد هوایی را به آتش کشیده و تعداد ۱۴ تن از فریب‌خوردهگان دشمن تجاوزگر را به هلاکت رساندند.

انهدام یکدستگاه تانک و ۵ قبضه توپ خودکشی، انهدام ۶ سنگر و یک چادر بزرگ گروهی با نفرات مربوطه آنها، انهدام ۴ دستگاه کامیون بزرگ جابل و وسائل لجستیکی دشمن و دو دستگاه خودروی استار شده و به هلاکت رساندن ۴۸ نفر از افراد مزدور صدام.

ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران، طی اطلاعیه شماره ۳۲۱ اعلام کرد که رزمندگان جمهوری اسلامی ایران در عملیات پنجشنبه و جمعه خود این اقدامات را علیه مزدوران تجاوزگر انجام داده‌اند: ۱- پرسنل هواپیمائی نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران (هوانیروز) در تاریخ ۷/۹/۵۹، در جبهه‌های اهواز و دزفول، تلفات و ضایعاتی به این شرح به دشمن وارد ساختند:

## بمناسبت سالگرد استقلال جمهوری دموکراتیک خلق یمن جمهوری دموکراتیک خلق یمن پشتیبان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است

به راه تحول سوسیالیستی فراهم آورند. تصویب قانون اساسی ۱۳۴۹ به تصویب رسیده، این کشور را جمهوری دموکراتیک خلق یمن نام نهاد. رژیم جدید مجبور بود کماکان با دسیسه‌های براندازانه ضدانقلاب به رویاری ببرد. هر گامی که این رژیم به پیش بر میداشت، از یکسو با مقاومت سرسختانه دشمنان داخلی و خارجی روبرو میشد و از سوی دیگر مبارزه طبقاتی را در کشور و در داخل جبهه آزادی ملی بسود نیروهای انقلاب و پیشرفت به پیش میراند. در عین حال، اندیشه‌های سوسیالیسم علمی هر چه بیشتر در جبهه آزادی ملی تحکیم می‌پذیرفت. تغییر نام جبهه آزادی ملی به سازمان سیاسی جبهه ملی در همانسال نتیجه منطقی روند نامبرده بود.

امروز، ۹ آذر ۱۳۵۹، جمهوری دموکراتیک خلق یمن، سیزدهمین سالگرد استقلال خود را جشن می‌گیرد. تاریخ نوین خلق یمن دموکراتیک، در واقع، در سال ۱۳۴۳ با تشکیل جبهه آزادی ملی، آغاز گشت. این جبهه گرایش‌ها و گروه‌های گوناگون سیاسی را دربر میگرفت، که هدف مشترک همه آنها مبارزه با استعمار بود.

در ۲۲ مهر ۱۳۴۲، مبارزه رهایی‌بخش مسلحانه خلق یمن علیه سیادت استعماری صد و سی ساله بریتانیا و فئودالهای مرتجع همپیمان آن آغاز شد و پس از یکباره‌های جانبازانه خلق یمن جنوبی، در ۹ آذر ۱۳۵۹، به استقلال آن کشور و اعلام تشکیل یمن دموکراتیک انجامید.

دو سال بعد، کنکرة پنجم این سازمان در عدن تشکیل شد. کنکرة پنجم تصمیمات مهمی درباره راه آتی و هدفهای انقلاب اتخاذ و همچنین برنامه و آئین‌نامه جدید سازمان سیاسی جبهه ملی را تصویب کرد.

رهبری سیاسی جمهوری نوپا، که در زمستان ۱۳۴۶ بعنوان صد و بیست و سومین کشور، به عضویت سازمان ملل متحد درآمد، در آن هنگام تنها از اعضای جبهه آزادی ملی تشکیل میشد. این رهبری وظائفی بس سنگین در پیش داشت، که اهم آنها عبارت بود از: تحکیم استقلال ملی کشور، مقابله با تهاجم فزاینده ضدانقلاب داخلی و خارجی و هدایت یمن دموکراتیک در راستای پیشرفت اجتماعی.

در ۲۰ اسفند ۱۳۴۵، نیروهای راستگرا کوشیدند تا با کودتایی، از اجرای مصوبات کنکرة چهارم جبهه آزادی ملی، مبنی بر تعمیق روند انقلاب، جلوگیری بعمل آورند. لیکن نیروهای چپ درون «جبهه» موفق شدند، با «جنبش اصلاح ۳۱ تیر ۱۳۴۶»، ضدانقلاب را بقتل رانند و برخی از شرائط بنیادی را برای گذار آتی یمن دموکراتیک

برنامه سازمان سیاسی جبهه ملی، از جمله، یادآور گردید که در جمهوری دموکراتیک خلق یمن، انقلابی ملی - دموکراتیک در جریان است، که شرائط گذار آتی آن کشور را به سوسیالیسم ب موجب برنامه نامبرده، در چارچوب سازمان سیاسی جبهه ملی، در راه پایه‌گذاری حزبی پیشاهنگ کوشش خواهد شد. این حزب، که بقیه در صفحه ۷

از ۲۰ اسفند ۱۳۴۵، نیروهای راستگرا کوشیدند تا با کودتایی، از اجرای مصوبات کنکرة چهارم جبهه آزادی ملی، مبنی بر تعمیق روند انقلاب، جلوگیری بعمل آورند. لیکن نیروهای چپ درون «جبهه» موفق شدند، با «جنبش اصلاح ۳۱ تیر ۱۳۴۶»، ضدانقلاب را بقتل رانند و برخی از شرائط بنیادی را برای گذار آتی یمن دموکراتیک

## بمناسبت روز همبستگی بین المللی با خلق فلسطین

### انقلاب ایران با انقلاب فلسطین پیوند ناگسستنی دارد

#### سازمان آزادیبخش خلق فلسطین، تنها نماینده راستین خلق فلسطین، مورد پشتیبانی مردم ایران است

خواست‌های عادلانه مردم فلسطین، خودداری از شناسایی واقعیت‌های بین‌المللی و نادیده‌انگاشتن افکار عمومی جهانیان، سلباست که به تسخیر آفرینی و تجاوزکاری خود در منطقه دامن‌میزند و خاورمیانه را بیکی از انفجاری‌ترین و خطرناک‌ترین نقاط جهان مبدل کرده‌اند. اسرائیل و امپریالیسم آمریکا، بجای آنکه حق فلسطینی‌های رانده از زاد و بوم خویش را نسبت به بازگشت به سرزمین اجدادی خود برسمیت بشناسند بقیه در صفحه ۴

داشتند. حل مسئله فلسطین نه تنها بجهت خاتمه دادن به آوارگی میلیونها فلسطینی و احقاق حق تعیین سرنوشت خلقی ستمدیده بدست خویش حائز اهمیت است، بلکه، همانگونه که سازمان ملل متحد در قطعنامه هفتم مسرداد امسال مجمع عمومی بار دیگر خاطر نشان ساخت، عدم حل آن «صلح و امنیت بین‌المللی را سخت به مخاطره خواهد انداخت». برآستی که صهیونیسم و امپریالیسم آمریکا با مقاومت لجوجانه خود در برابر حقوق و

سازمان ملل متحد روز هشتم آذرماه را بعنوان روز همبستگی بین‌المللی با خلق فلسطین اعلام داشته است. در این روز نیروهای مترقی و دموکراتیک سراسر جهان، بویژه مردم ایران، که همواره انقلاب ضدامپریالیستی و خلقی ۲۲ بهمن را هم پیوند با انقلاب فلسطین دانسته‌اند، بار دیگر پشتیبانی همه‌جانبه خود را از یکبار عادلانه و قهرمانانه مردم فلسطین علیه صهیونیست‌های اسرائیل، هواداران امپریالیستی آنها و هم پیمانان خیانت‌پیشه و ارتجاعی‌شان در منطقه ابراز

## شکایت لیبی‌ها از فقدان یک نوع «آزادی» بخصوص است!

**در صفحات بعد**  
**مائوئیست‌های جای امریکاو عراق، با جمهوری اسلامی ایران می‌جنگند**  
صفحه ۴

اختلافاتی که در محیط سیاسی و اجتماعی ما وجود دارد، بر دو نوع است:  
۱- اختلاف میان انقلاب و ضدانقلاب، میان خلق و ضدخلق،  
۲- اختلاف در داخل صفوف انقلاب و در داخل خلق.  
این دو نوع اختلاف با هم فرق بنیادی و ماهوی دارند. اختلاف میان انقلاب و ضدانقلاب و میان خلق و ضدخلق اختلافی است- ناشی از تضاد آشتی‌ناپذیر میان آنها. این نوع اختلاف و این نوع تضاد فقط یک راه حل انقلابی دارد و آنهم اینست که طرف انقلاب بطور قاطع بر ضد انقلاب پیروز شود و آنرا منهدم سازد. آشتی و همکاری و همزیستی میان انقلاب و ضد انقلاب، میان خلق و ضدخلق، بویژه در کشوری که مسئله «که بر که» در آن بسا شدت هر چه تماشای مطرح است، غیرممکن است. در اینجا منظور ما این نوع اختلافات نیست.  
ولی نوع دوم اختلاف - اختلاف در داخل صفوف انقلاب و در داخل خلق - اختلاف آشتی‌پذیر است، زیرا که از تضادهای آشتی-ناپذیر ناشی نمی‌شود. این نوع اختلاف فقط یک راه حل درست و منطقی دارد، و آنهم تقاضای طرفین اختلاف بر روی آن مسائل عمدتاً است که مورد قبول همه طرفداران انقلاب و همه نیروهای خلقی است. نه تنها همزیستی، بلکه اتحاد و همکاری صمیمانه در داخل صفوف بقیه در صفحه ۷

# برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!





# مائوئیستها بجای امریکا و عراق، با جمهوری اسلامی ایران می جنگند

آستانوسی امپریالیسم را تقدیر می کنند (همان شماره، ص ۴۴) و چنین است که آقای کارتر، ماسکی، برژینسکی و خلاصه همه کله گنده های «امپریالیسم آمریکا» در هنگام رفتن رجایی به نیویورک، برای نشان دادن محبت خود به رژیم جمهوری اسلامی، تا آنجا میروند که عملاً در جنگ ایران و عراق به حمایت از رژیم ایران برخیزند، (همانجا) زیرا که: «اعلان رفتن رجایی به نیویورک، خود چراغ سبزی به امپریالیسم آمریکا» (همانجا) بود.

تا اینجا بدون اشاره به همخوانی دقیق این نظریات «بیکار» با رادیو بغداد، صدای آمریکا و یو.پی.سی، رژیم ایران - البته توسط مائوئیستهای «بیکار» به امپریالیسم آمریکا چراغ سبز نشان داده است. اما کار هنوز ادامه دارد و: «رژیم جمهوری اسلامی دست به دامان امپریالیسم فرانسه میشود» (خبرنامه جنگ - شماره ۴۰) و از طریق خبوی که منبع آن مورد اعتماد «بیکار» است: یعنی «لوموند»، مائوئیستهای «بیکار» آشکار میکنند که: «این اولین نشانه های گرایش به غرب علنی رژیم است» (همانجا) و سرانجام حرف آخر که: «هیات حاکم از این مساله فقط میخواستند بنوان مانور تبلیغاتی استفاده کنند و (اشاره به بازبودن تنگه هرمز) عیان ساختند که موافق منافع امپریالیسم هستند. اگر گاهی اوقات برای فریب توده ها به امپریالیسم فحش میدهند، اما هرگز نمیخواهند ضرری به او برسانند، و در هیات حاکمه نیز مشخص شد که اگر چه در مورد شکل برخورد (دشنام دادن یا ندادن) اختلاف هست، اما در محتوای برخورد یعنی حفظ منافع امپریالیسم اختلافی نیست» (بیکار ۷۶ - ص ۱۷) و نتیجه مائوئیستهای «بیکار» اینک: رژیم ایران «وابسته به امپریالیسم» است!

## جنگیدن با رژیم عربستان هم گناه است!

اما، راه دوری را پیورده رفتیم، تا ماهیت «بیکار» را نشان دهیم. اگر کمی زودتر ضمیمه شماره ۴ بیکار ۷۵ را می دیدیم، میتوانستیم چهره واقعی «بیکار» را در پس ماسکی که خود از چهره بکنار زده است، بروشنی ببینیم. هنوز هم دیر نشده است. «بیکار» می نویسد:

«حال فرض کنیم که عراق نیز مثل عربستان سعودی یک رژیم کارگزار و آنهم کارگزار امپریالیسم آمریکا باشد. حتی در چنین صورتی نیز ماهیت جنگ ایران و عراق نمی تواند از جانب ایران خصلت انقلابی و راهنی بخش داشته باشد، چرا که هر دو رژیم ارتجاعی هستند و تا مادامی که جنگ بصورت یک جنگ ملی و راهنی بخش در نیامده است، تصور شرکت در این جنگ نیز خیانت به پروتاریا و خلق های دو کشور است. (ص ۴)

روشن شد؟ حتی اگر عربستان سعودی هم به ایران حمله کند، وضع باحالا، که رژیم عراق که کارگزار امپریالیسم نیست (!) به ایران حمله کرده است، هیچ فرقی نمی کند. باین ترتیب، از نظر «بیکار» اگر خود دولت آمریکا هم مستقیماً در ایران نیروی نظامی بیاید کند، باز هم فرقی نمی کند، زیرا که هر دو رژیم ارتجاعی هستند! اینست نتیجه نهائی «سیاست» «بیکار».

«بیکار» می نویسد: «حتی اگر رژیم عربستان هم به ایران حمله کند، تصور شرکت در این جنگ - بنفع ایران هم خیانت به توده هاست!»

این است چهره واقعی «سازمان بیکار با طبقه کارگر»، و درست بهمین دلیل است که، در تمام مقالات «بیکار» درباره جنگ از آغاز تا کنون، حتی یک جمله هم علیه امپریالیسم آمریکا وجود ندارد. «بیکار» تحویل آواکسها به عربستان، اعزام نیروی نظامی مصر و اردن به عراق، پشتیبانی خالد، ملک حسین، ملک حسین، قابوس، ضیاءالحق از رژیم صدام، گسترش حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس و دیگر دسیسه های امپریالیسم آمریکا را در منطقه کاملاً مسکوت گذاشته - کاملاً طبیعی است - و در عوض یک مقاله مفصل را به دشنام گوئی علیه اتحاد شوروی اختصاص داده و همه اخبار محافل امپریالیستی را علیه اتحاد شوروی بعنوان «سند» ارائه داده است، تا ثابت کند که دشمن اصلی ایران «سوسیال امپریالیسم» شوروی است! بقیه در صفحه ۶

## مائوئیستهای خائن «بیکار»، علیه جمهوری اسلامی ایران مسلح میشوند

چند روز پیش فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی فارسی یک مصاحبه اختصاصی با روزنامه «کیهان» را، اعلام کرد که عده ای از اعضای گروه های آمریکا بی - مائوئیستی ضد انقلابی «بیکار»، که در صدد ایجاد اغتشاش و تحریک در میان مهاجرین از مناطق جنگ زده به فارس بودند، دستگیر شده اند و بزودی در دادگاه انقلاب زمان جنگ محاکمه میشوند. دکتر مسعود خاتمی، فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی فارس همچنین افزود که ضد انقلابیون «بیکار»، در جبهه های جنگ، بخصوص خونین شهر، از پشت پاسداران مدافع انقلاب را مورد حمله قرار داده و به شهادت میرسانند.

همچنین طبق اخبار موثق، خیانتکاران «بیکار» در جبهه جنگ به سلاح و حمل آن به خارج از جبهه جنگ و اختفای آن مشغولند و خود را برای جنگ با جمهوری اسلامی ایران آماده می کنند. مائوئیستهای اکنون دیگر از جمله پرداز و تفروری با فیهای ما ورا «انقلابی» دست بزداشته اند و به عملی ساختن این تئوریه ها پرداخته اند، آنها به مجریان توطئه امپریالیسم آمریکا یعنی تجاوزگران بعث عراق، دست یاری داده، از پشت مدافعان انقلاب را خائفاً مورد حمله قرار می دهند، آنها طبق طرح امپریالیسم آمریکا برای ایجاد تشنج و اغتشاش در پشت جبهه، میکوشند تا در میان آوارگان، دست به تحریکات بزنند و سرانجام به منطبق بر عمل و خواست امپریالیسم آمریکا که با تمام قوا در صدد تضعیف و سرنگونی جمهوری اسلامی ایران است، سلاح های مدافعان انقلاب را می ربایند تا آنرا علیه انقلاب بکار بندازند. مائوئیستهای گروه آمریکا فی «بیکار» در کردستان نیز همگام با کومله و دیگر گروه های خائن وابسته به صدام حسین، علیه جمهوری اسلامی ایران توطئه می کنند.

علاقه ای نشان نمیده. همانجا - ص ۱۵)

در زمان انتشار این دفاعیه از رژیم جنایتکار صدام، یعنی ۱۴ مهر ۵۹، علاوه بر شهرهای قصر شیرین و سرپل ذهاب و سوسنگرد (که آزمون در تصرف رژیم عراق بود و بعداً نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و زحمتکشان انقلابی پل ذهاب و سوسنگرد را پس گرفتند) قسمت های دیگری از خاک ایران در اشغال رژیم عراق بود. در واقع «بیکار» در دفاعیه بالا بخش هایی از خاک «میهن بورژوازی» را به رژیم عراق می بخشد و از ایران میخواهد که از جنگ دست بردارد، تا او ایسی و بختیار... از این «موفقیت نسبی» استفاده کنند و «ایران آزاد» را تشکیل دهند. علاوه بر این، «بیکار» معتقد است که رژیم عراق به گسترش جنگ علاقه ندارد. حتماً بعد از اشغال بخش هایی از خرمشهر و محاصره آبادان، رهبران «بیکار» همچنان بر این عقیده استوارند!

بعد از قرائت دفاعیه بالا درباره رژیم جنایتکار صدام، مائوئیستهای «بیکار» ایران را به جنگ طلبی متهم می کنند:

«اما برعکس، رژیم جمهوری اسلامی که در جنگ بخش هایی از مدار مرزی را از دست داده و رقیب را در موضع بهتر می بیند، مذاکره و میانجیگری را رد می کند و آن را به زمانی موکول میکند که وضعیت بهتری در جبهه های جنگ بدست آورد، چنین است که عربه های جنگ طلبی سر میدهند. (همانجا - ص ۱۵)

علت این موضع گیری «بیکار» چیست؟ علت این است: «برای ما شک و ابهامی وجود ندارد که رژیم ضد خلقی عراق کارگزار امپریالیسم نیست». (ضمیمه شماره ۷۵ - ص ۴)

و درست به همین دلیل است که ایران ذیحق نیست: «همانطور که مشاهده می کنیم امروز نیز سوسیالیست ها، از این جنگ ارتجاعی، که هدف از آنهم سرکوب انقلاب و هم توسعه منافع اقتصادی است، به نفع بورژوازی خودی جانبداری کرده و با عامل امپریالیست خواندن عراق، سعی می کنند تا طرف ایرانی را «ذیحق» و «ملی» نشان دهند. (همانجا)

«بیکار» در ادامه این «تئوری» سرانجام به هدف نهائی میرسد و صریحاً اعلام میدارد که رژیم عراق بطور «مستقل» در این «جنگ» - «بیکار» می نویسد جنگ و نه تجاوز - شرکت کرده و باین ترتیب آمریکا را تبرئه می کند:

هدف رژیم فاشیستی عراق از این جنگ، جامه عمل پوشاندن به آرزوهای استیلاطلبانه و توسعه طلبانه بورژوازی خویش، ضمیمه کردن خوزستان به عراق و کنترل خلیج فارس و شیخ نشین های آنست. (اعلامیه شماره ۹۸) توجه کنید! «بیکار» همان صریحاً سخنان برژینسکی و ماسکی را، مبنی بر شرکت در جنگ تجاوزکارانه رژیم صدام علیه ایران که در ابتدای مطلب آورده ایم، با اظهار نظرها بالا تکذیب می کنند. اکنون آرام آرام قلاب پس میروند و چهره واقعی کسانی که در پس الفاظ انقلابی همیشه به تئور امپریالیسم آمریکا می ریزند، از سایه پنهانی آید. اما از اینهم باید بیشتر رفت و برای اثبات اینکه رژیم ایران از رژیم عراق «جنایتکارتر» است، به تبلیغ پرداخت. در حالی که حتی خیرگزارها و رادیوهای امپریالیستی هنوز جرئت نکرده اند دروغ بزرگی چون بمباران مناطق مسکونی عراق را توسط ایران جعل کنند، «بیکار» این وظیفه را انجام میدهد:

«رژیم های ارتجاعی ایران و عراق به بمباران مناطق مسکونی یکدیگر می پردازند... ایران نیز با بمباران مناطق مسکونی در بغداد، کربوک و... دهات آن زحمتکشان غیر مسلح را در خانه و کاشانه خود کشته و خانه هایشان را ویران کرده است. (بیکار - ص ۷)

و این تنها «جنایات ایران» نیست. اینکه: «جنگ هزاران تن از توده های ستمدیده را آواره میسازد، هم اکنون هزاران نفر از خرمشهر و قصر شیرین آواره شده اند، (همانجا) اینکه: «در بالاشکام آبادان و دیگر تأسیسات نفتی دهها هزار نفر کارگر بیکار شده اند، ویران کردن مزارع، کشاورزان را نیز در وضع مشابهی قرار میدهند» (همانجا) همه و همه برگردن رژیم ایران است!

یادتان که هست؟ «بیکار» در ابتدا با اصرار ثابت کرد که رژیم عراق طالب گسترش جنگ نیست، میخواهد صلح کند و این ایران است که «عربه های جنگ طلبی سر میدهند». به این ترتیب همه جنایات رژیم صدام هم پای ایران توشه میشود!

## رژیم ایران «وابسته به امپریالیسم» است!

اما «بیکار» ها دست بردار نیستند! آنها روی رادیو بغداد را هم سفید می کنند. رژیم ایران «ارتجاعی و ضد انقلابی است». (اعلامیه شماره ۸۴) رژیم ایران «فریکارانه» میخواهد: «بمباران انقلابی توده ها را از سمت اصلی خود، یعنی از سیستم سرمایه داری وابسته و رژیم حافظ آن» (همانجا) منحرف کند. رژیم ایران میخواهد با استفاده از جنگ: «جنایات» بشمار خود را نسبت به نیروهای انقلابی و توده های خلق پرده پوشی» (همانجا) نماید. رژیم ایران به «شکنجه، آزار و ترور» (همانجا) مشغول است. رژیم ایران: «خلق ترکن را مورد یورش و تهاجم قرار میدهد، کارگران مبارز را از کار خاجات اخراج می کند و اعتصابات برحق کارگران را سرکوب می نماید، دهقانان زحمتکش و فقیر را بجرم مصادره زمینداران بزرگ مورد تهاجم و سرکوب قرار میدهد، آزادی های سیاسی راسرکوب می کند، فرزندان انقلابی خلق و ویژه انقلابیون کمونیست را دست به دست شکنجه، زندانی و تیرباران می کند و بالاخره با برآمدن دستان دست راستی باند سپاه و وحشیانه به ترور فرزندان خلق» (همانجا) دست میزند. تازه این اول گاز است، زیرا که رژیم ایران «دایه امید آمریکا» در

در یکی از جلسات پرسش و پاسخ، فردی پرسید: شما وقتی در مقابل سازمان های مائوئیستی مانند «بیکار» و ... موضع می گیرید، بدون مدرک، بر حسب عامل مستقیم سیا و امپریالیسم را پریشانی آنها زنی. خواهش میکنم اگر در مورد وابسته بودن بیکار، یا کومله با سیا و موساد مدرکی دارید، رو کنید.

رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران، پاسخ داد:

«چنانکه بارها گفته ام، ما هیچ سند و مدرکی مبنی بر اینکه تک تک افراد «بیکار» یا گروه های دیگر مائوئیستی با امپریالیسم رابطه دارند و از آن مزد می گیرند، نداریم. اما برای وابستگی برخی از گردانندگان این گروه ها به محافل و سازمان های امنیتی امپریالیستی، دلائل تاریخی در دست است. امروز گروه های مائوئیستی در سطح جهانی همکار امپریالیسم هستند و در همه جا شمار هایشان با شمار های محافل امپریالیستی یکی است. جزوه شماره ۳ «پرسش و پاسخ» - سال ۱۳۵۸ - صفحه ۱۴۰)

اکنون در لحظه تاریخی معینی - که از تجاوز رژیم جنایتکار صدام به ایران آغاز شده - شاهد یکی دیگر از این دلائل هستیم و گروه های مائوئیستی، و در راس آنها گروهک «سازمان بیکار با طبقه کارگر»، نه تنها شعارشان با محافل امپریالیستی یکی است، بلکه عملاً با امپریالیسم در یک سنگر قرار دارند.

هر چند توده های میلیونی خلق: کارگران، دهقانان، دیگر زحمتکشان و روشنفکران انقلابی، که شانه به شانه علیه دشمن می رزمند و با خون خویش سد راه متجاوزان میشوند، کوچکترین شکی در ماهیت جنگ تحلیلی رژیم صدام بر ایران، که همانا یورش امپریالیسم آمریکا به انقلاب ایران باشد، ندارند؛ هر چند که از فرزندان کونکول مولووتس بدست کوجه و خیابان «خوین شهر» گرفته، تا دهقانان اعماق روستاهای ایران، که از دهان خویش می برند تا غذای جبهه نبرد فراهم شود، کمترین تردیدی در تهاجم امپریالیسم آمریکا زیر ماسک عراق به انقلاب وطن ما ندارند، ولی ما برای ورود در مباحثی که مدارک همخوانی مائوئیستهای «بیکار» را با آمریکا از زبان خود آنها ارائه خواهیم داد، دو خبر را برای هواداران «کتابی» بیکار باز نویسی می کنیم، تا اگر گمنام خلقی بیدفاع ایران توسط جنایتکاران آمریکائی - صدامی چشم و گوش هواداران صادق «بیکار» را باز نکرده، شاید این نقل قولهای «کتابی» بکار بیاید:

۱- «پس از جلسه شورای امنیت ملی در آمریکا، که برای بررسی جنگ عراق با ایران تشکیل شده بود، بین مقامات آمریکا اختلاف بوجود آمده است، بطوری که والتر ماندل، معاون و ماسکی وزیر خارجه پیشنهادی بصرافی کرده اند و این در حالی است که برژینسکی مشاور امنیتی کارتر معتقد است آمریکا بطور کلی جهت متوقف کردن انقلاب اسلامی ایران، باید کاملاً از رژیم عراق پشتیبانی کند. (تأکید از ماست - جمهوری اسلامی، ۱۲ آبان ۵۹ - ص ۱۴)

گروه های مائوئیستی، و در راس آنها گروهک «بیکار»، تبلیغ میکنند: رژیم عراق جنگ طلب نیست. مستقل است و به امپریالیسم وابستگی ندارد. برعکس، رژیم ایران جنگ طلب و وابسته به امپریالیسم است!

۲- «دومند ماسکی وزیر امور خارجه آمریکا گفت: هیچکس با ما درباره تنظیم وقت این جنگ مشورت نکرده است. (کیهان - ۳۰ مهر ۵۹ - ص ۱۰)

البته این اظهارات چندان ببرد «بیکار» نخواهد خورد، زیرا، آنچه تا کنون خواهیم دید، حتی اگر خود آمریکا هم مستقیماً به ایران حمله کند، «بیکار» ها باز هم برای «رهائی طبقه کارگر» با رژیم ایران خواهند جنگید. پس ببینیم خود «آقایان» چه می گویند.

«بیکار» میگوید:

«این جنگ، جنگی است میان دو ارتجاع». (ضمیمه - شماره ۷۵ - صفحه ۴)

و می افزاید:

«ادامه برادر کمی، ادامه تبلیغات کاذب میهن پرستانه (میهن بورژوازی) هر دو طرف، اهداف تجاوزکارانه ای که هر یک از دو طرف نسبت به یکدیگر دنبال می کنند، کشتار توده های تحت ستم بوسیله بمباران شهرها، سرکوب نیروهای انقلابی داخلی به بهانه «انواگری»، «شایعه سازی» و... سعی در بسیج توده های نا آگاه بدنبال خود، زمینه سازی سرکوب آینده بوسیله تقویت ارگانهای سرکوب (ارتش) و غیره، همه نشان دهنده ماهیت این جنگ، نشان دهنده آن سیاستی است که هر یک از طبقات ارتجاعی حاکم در جامعه ایران و عراق دنبال می کنند». (شماره ۷۵ - ص ۱ و ۲)

بدین ترتیب «بیکار» چنین جلوه میدهد که از نظر «تئوری مارکسیستی»، از آنجا که ماهیت هر دو رژیم ارتجاعی است، باید «کمونیست» های هر دو کشور، توده ها را برای نبرد علیه «بورژوازی» هر دو کشور بسیج کنند. این «ماسک تئوریک» که تاروپود آن از شعارها و کلمات ماوراء انقلابی چپ بافته شده، پس بزنیم، تا چهره واقعی و واقعیت را ببینیم.

## رژیم عراق «مستقل» است!

نقل قول های قبلی را بدقت مرور کنید: «بیکار» صریحاً رژیم ایران را به «تجاوز» به عراق و کشتار توده های تحت ستم عراق متهم کرده است. این اتهام، زمینه چینی اساسی «بیکار» است، که با تبلیغ بیرامون آن، میداند هدف اصلی خود را اعلام می کند. در پی همین اتهام، که هدف آن وابسته و متجاوز نشان دادن ایران و مستقل و صلح دوست معرفی کردن رژیم جنایتکار صدام است، «بیکار» می نویسد:

«ارتجاعی دانستن این جنگ عبارت است از مبارزه علیه هر دو رژیم غارتگر و تجاوزگر». (بیکار، ۷۵ - ص ۱۴)

و باین ترتیب ایران، در حالیکه ارتش عراق در خاک میهن ماست، دست به «غارت» میزند! البته غارت چه چیز، معلوم نیست! «بیکار» سپس رندانه تجاوز رژیم صدام را به ایران رد می کند و می نویسد:

«آنها سخن از تجاوز یک جانبه می گویند، از یورش به توده ها و... بدین ترتیب آنها ماهیت جنگ را نه از روی ماهیت دولتهای شرکت کننده در جنگ، نه بر مبنای تن لنین مبتنی بر اینکه جنگ ادامه سیاست به وسائل دیگر است، بلکه بر مبنای غیر طبقائی و ریزویونیستی استوار میکنند». (همانجا - صفحه ۱۵)

اما تبلیغات «بیکار» برای رژیم جنایتکار صدام از اینهم فراتر میرود: «عراق پیشنهاد آتش بس، میانجیگری، مذاکره را پذیرفت، اما جمهوری اسلامی آن را رد کرد. عراق به این خاطر خواهان مذاکره و میانجیگری است که در جنگ موفقیت های نسبی در مدار مرزی بدست آورده است. او میخواهد مذاکره انجام گیرد، تا با توجه به این موفقیت ها



# گذری بر کوره آجرپزی «قازیان»

در چند متری روستای قازلیان، یک کوره آجرپزی با ۱۶ سال سابقه کار وجود دارد. تعداد کارگران آن در حال حاضر ۷ نفر است و اکثریت آنان را زنان و نوجوانان تشکیل می دهند. همواره کارگران در شرایطی سخت و طاقت فرسا به کار مشغولند.

در ارتباط با شرایط کار و امکانات عمومی محل، بایکی از کارگران به نام کاک محمود، که مردی ۴۵ ساله است و به همراه پسرش در آنجا کار می کند، گفتگویی کنیم. لب به گلایه می کشاید و می گوید:

"من اهل همین ده هفتم، یکم خانوادۀ شش نفره دارم. زمینی ندارم. تا روزی آن کارکنم و خرج خانوادۀ ما را بدست بیاورم. ما مجبوریم که این ۳ یا ۴ ماه را در اینجا کار بکنیم و هزینه بقیه سال را که بیکار هستیم تا زمین کنیم. البته قبلاً این مدت را بیشتر در شرکت های ساختمانی و جاده سازی کار می کردیم، که بعلمت شرایط خاص منطقه و بعلمت عدم امنیت در منطقه، دیگر این امکان را نداریم."

پس از وی پسرش "محمد" ادامه می دهد و می گوید:

"کار ما کار کردن نیست، جان کنندن است. صبح از ساعت ۴ کار می آئیم و شب ساعت هشت یا نه به خانه بر می گردیم. در این فاصله فقط نیم ساعت را صرف ناهار می کنیم. با اینحال یک کارگر پرکار می تواند روزانه بطور متوسط فقط ۱۲۰۰ الی ۱۳۰۰ آجر درست کند. ما در ازاء هر ۱۰۰۰ آجر ۸۰۰ ریال دریافت می کنیم، البته کارفرما در این ماه صدریال آنرا کم کرده به مانده اولی کاری نمیتوانیم بکنیم. ما مجبوریم در این شرایط کار کنیم. تا شاید بتوانیم خرج ۸ ماه بیکاری را نیز در بیاوریم."

پس از این گفتگو با دو تن از کارگران نوجوان صحبت کردیم، خالد امینی ۱۵ ساله گفت:

"من از اهالی علی آباد، دهی که در فاصله هفت کیلومتری اینجا قرار دارد، هستم و با دای زاده ام، که اسمش یوسف مرادی است، در اینجا کار می کنیم. من به علت فقر مالی ترک تحصیل کرده ام."

پس از آن یوسف نوجوان ۱۲ ساله ای که فقر و درونج در چهره اش دیده می شد، گفت:

"من اسمال در کلاس پنجم قبول شده ام و بایده برای ادامه تحصیل به یوگان بروم. من مجبورم مدتی از سال تحصیلی را در اینجا کار کنم، تا خرج پدر پیرو و بچه کوچکتر از خودم را نیز بدست بیاورم."

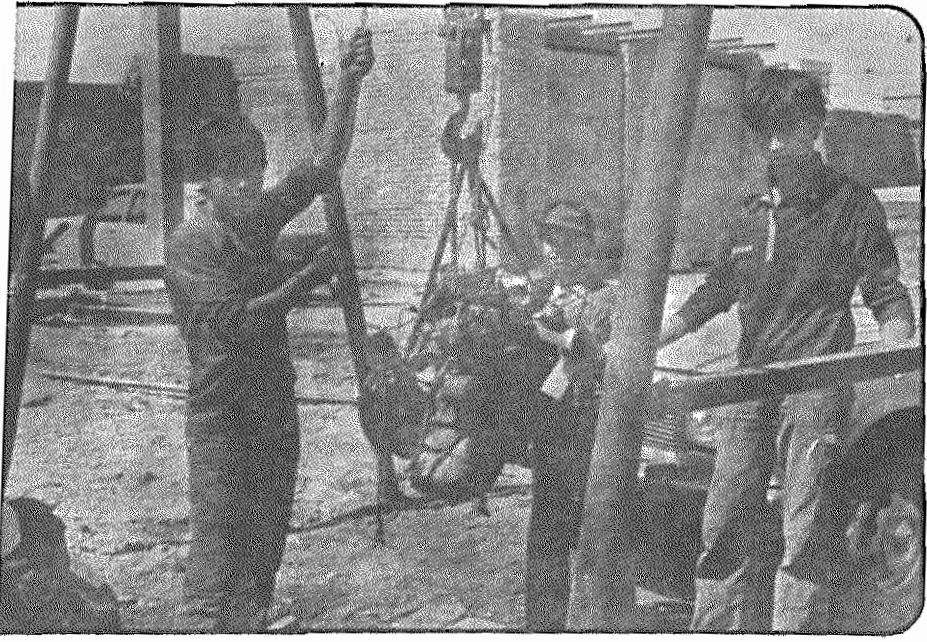
در مورد خواستها و انتظاراتش از انقلاب گفت:

"اینها را مسئولین بهتر از من میدانند و فقط می توانم بگویم که بجاها خیلی ظلم شده است، ظلمی که نمونه آنرا در همین جاهم می توان دید."

شهرهای کردستان بعلمت جوحا کم بر آن، شرایط سختی را می گذرانند. زحمتکشان این شهرها، در ارتباط با درگیریهای کردستان، فشار زیادی را تحمل کرده اند و هر روز نیز بر این فشارها افزوده می شود. این مردم در دوران طاغوت بعلمت سیاستهای ضد خلقی رژیم همیشه به بهانه های مختلف در معرض هجوم مزدوران رژیم بودند و همیشه صدای حق طلبانه آنها در گلو خفه میشد. مردم این نواحی پس از انقلاب امیدوار بودند که حقوق حقه آنها محترم شمرده شود، ولی متأسفانه بعلمت تعلل در امر تأمین خود مختاری، یا خودگردانی خلقها (حق) که مورد تأیید ما خمینی بوده و در قانون اساسی نیز بر آن تأکید شده است (خدا انقلاب از فرصت استفاده کرد و جنگ برادر کشی در کردستان براف انداخت، و مردم را نسبت به دست یافتن به حقوقشان و نسبت به تکمیت کنونی بدبین کرد. ما پس از پیام تاریخی امام خمینی درباره کردستان، در آبان ماه سال گذشته، این امیدواری برای مردم ایجاد شده که بتوانند حقوق خود را بدست آورند. با وجود این با کار شکنی هر دو طرف

# کارگران میکانیکی نادر مروودشت (فارس):

# برای دفاع از جمهوری اسلامی ایران با اسلحه جلوی امریکارانی گیرید



\* کمی دستمزد، نبودن بیمه، عدم بهداشت محل کار، نداشتن سندیکا از مهمترین مشکلات محل کار کارگران است، ضد انقلاب نمی گذارد بوضع ما رسیدگی کنند

\* وضع ما نسبت به قبل از انقلاب بهتر شده است

در جلو تعمیرگاه، کارگران با چهره های سیاه شده از روغن و گاهی با سنین خیلی کم، در حال رفت و آمد هستند. بداخل کارگاه میرویم، محوطه وسیع خاکی که ماشینهای اوراق شده در آن پراکنده است.

ابتدا با آیت زارع ۱۳ ساله که کلاس دوم ابتدائی است صحبت می کنیم. می گوید: "از صبح ساعت ۷ تا بعد از ظهر کار میکنم، یکسال هم سابقه کار دارم. در اینجا خطر کار زیاد است. مثل باز کردن گیربکس که خطر افتادن آن روی بدن ما هست. چند وقت پیش انگشت دست پوی یکی از کارگران شکست."

وی درباره مشکلات محل کار می گوید: زمین اینجا خاکی است و به ما مزد کم می دهند. از نظر شرایط محل کار، ایمنی نداریم. از طرف دولت که برای بیمه کردن می آیند ما بیکار ما را قایم می کنند. اسم کارگران را یک بار ما مور بیمه نوشته بود که صاحبکار اسمها را پس گرفت و گفت: اینها کارگران موقت هستند."

نعمت زارع که درس را به علت مشکلات مالی ترک کرده است می گوید: "۶ سال سابقه کار دارم و هفته ای ۱۵ تومان میگیرم. تمام کار پیاپی و شوار کردن موتور را به تنهایی میکنم. در اینجا ما سندیکانداریم که از حقوقمان دفاع کند."

دولت جمهوری اسلامی ایران باید مشکلات مالی ترک کرده است می گوید: "۶ سال سابقه کار دارم و هفته ای ۱۵ تومان میگیرم. تمام کار پیاپی و شوار کردن موتور را به تنهایی میکنم. در اینجا ما سندیکانداریم که از حقوقمان دفاع کند."

دولت جمهوری اسلامی ایران باید مشکلات مالی ترک کرده است می گوید: "۶ سال سابقه کار دارم و هفته ای ۱۵ تومان میگیرم. تمام کار پیاپی و شوار کردن موتور را به تنهایی میکنم. در اینجا ما سندیکانداریم که از حقوقمان دفاع کند."

دولت جمهوری اسلامی ایران باید مشکلات مالی ترک کرده است می گوید: "۶ سال سابقه کار دارم و هفته ای ۱۵ تومان میگیرم. تمام کار پیاپی و شوار کردن موتور را به تنهایی میکنم. در اینجا ما سندیکانداریم که از حقوقمان دفاع کند."

دولت جمهوری اسلامی ایران باید مشکلات مالی ترک کرده است می گوید: "۶ سال سابقه کار دارم و هفته ای ۱۵ تومان میگیرم. تمام کار پیاپی و شوار کردن موتور را به تنهایی میکنم. در اینجا ما سندیکانداریم که از حقوقمان دفاع کند."

دولت جمهوری اسلامی ایران باید مشکلات مالی ترک کرده است می گوید: "۶ سال سابقه کار دارم و هفته ای ۱۵ تومان میگیرم. تمام کار پیاپی و شوار کردن موتور را به تنهایی میکنم. در اینجا ما سندیکانداریم که از حقوقمان دفاع کند."

دولت جمهوری اسلامی ایران باید مشکلات مالی ترک کرده است می گوید: "۶ سال سابقه کار دارم و هفته ای ۱۵ تومان میگیرم. تمام کار پیاپی و شوار کردن موتور را به تنهایی میکنم. در اینجا ما سندیکانداریم که از حقوقمان دفاع کند."

دولت جمهوری اسلامی ایران باید مشکلات مالی ترک کرده است می گوید: "۶ سال سابقه کار دارم و هفته ای ۱۵ تومان میگیرم. تمام کار پیاپی و شوار کردن موتور را به تنهایی میکنم. در اینجا ما سندیکانداریم که از حقوقمان دفاع کند."

با ۴ سال سابقه کار روزانه ۶ تومان میگیرد.

وی میگوید: "میوه گران است، لوازم گیر نمی آید. وضع مسکن ما خراب است و در یک خانه کهنه اجاره ای زندگی می کنیم. البته فعلاً ضد انقلاب نمی گذارد دولت به وضع ما رسیدگی کند و من دولت جمهوری اسلامی ایران را تأیید کرده و اگر آمریکا حمله کند همه ما با اسلحه جلوی او را میگیریم."

یحیی حسینی ۱۸ ساله میگوید: "محل کار ما در آن کار میکنیم باید تمیز باشد. دستشویی داشته باشد. زمستانها در گودال آب جمع میشود و تابستانها گرد و خاک نمیزد."

وی درباره مزد خود میگوید: "روزی ۱۲ ساعت کار میکنم، هفته ای ۶۸ تومان میگیرم. زمستانها هم مزدمان را کمتر میدهند. ازدولت میخواهیم کارگاهها را بدقت بازرسی کنند. اگر سانه ای اتفاق بیفتد و از کار بیافتیم بیمه نیستیم، خانواده ام ۱۰ نفرند که خرج خانواده را من میدهم. پدرم از

تولید بخوا بددوباره باید دست گدایی به طرف آمریکا دراز کنیم." کارگر دیگری می گوید:

"الان گازی که به کارخانه می آید، به نسبت هر سال نصف شده است. در نتیجه تولید کارخانه کم شده و سه هزار کیسول گاز خالی مانده است. کارگران بین خود قرار گذاشته اند تا در موقع پرکردن کیسولها، حتی یک ذره گاز به بیرون نشت نکنند. کیسولهای مصرف شده و خالی را می آورند، ته مانده آنها را دیگر خالی نمی کنیم. ما قبلابرای متفقاً بقولند. نظر آنها را در باره وظایف کارگران در قبایل انقلاب می پرسیم، یکی از کارگران میگوید:

"کار، کار، کار! ما باید کار کنیم و تولید را نخواهیم و اگر کسی خواست تولید را بخواهاند، با او مقابله کنیم. اگر

گرفته شده و مذاکرات صلح، در حال حاضر به شکست انجامیده است. امید است که با تأمین حقوق خودمختاری یا خودگردانی خلقها، زندگی زحمتکشان و مردم این منطقه از وضع نابسامان خود هر چه زودتر نجات

گرفته شده و مذاکرات صلح، در حال حاضر به شکست انجامیده است. امید است که با تأمین حقوق خودمختاری یا خودگردانی خلقها، زندگی زحمتکشان و مردم این منطقه از وضع نابسامان خود هر چه زودتر نجات

گرفته شده و مذاکرات صلح، در حال حاضر به شکست انجامیده است. امید است که با تأمین حقوق خودمختاری یا خودگردانی خلقها، زندگی زحمتکشان و مردم این منطقه از وضع نابسامان خود هر چه زودتر نجات

محتکران را محاکمه کنید و اموالشان را بفتح مردم مصادره کنید!

کار افتاده است" و ادامه میدهد: "دولت باید به کارگران بر تشکیل خانواده و ام بدهد. وضع نسبت به قبل از انقلاب بهتر شده است. قبل از انقلاب تا نصف شب کار میکردیم و در باره گرانی میگویند:

"محتکران و سرمایه داران عا گرانی را باید محاکمه و اموالشان را مصادره کنند. سرمایه های خارجی و بازرگانی خارجی باید ملی شود، چه سرمایه های پیش تجار جمع شده است، خواهی است این کارگران خواست

بجای است اینان که در ۲۲ بهمن حماسه آفرینند و با مشت های گره کرده خود حکومت شاه را سرنگون کنند. اینک در سنگر نبرد علیه تجاوز و زنجیر و در سنگر تولیدی کارخانه ها از جمهوری اسلامی ایران دفاع و از انقلاب خ

پشتیبانی می کنند و حاضرند با دل جان با امپریالیسم بجنگند. مقامات مسئول دولت، است که محیط و شرایط زندگیشان را بهبود بخشند زمین تولید هر چه بیشتر و کار را فراهم آورند.

# کارگران «سوپر گاز» آماده مقابله با دشمن متجاوز هستند

عباد الله حیدری نژاد، در بیان کارخانه نیز می گوید:

من هر روز خدا حافظی مفصلی با خانواده ام می کنم و به کارخانه می آیم، چون هر لحظه منتظرم که از همین جا ما را به مزرع ببرند، ما برای دفاع از انقلاب آماده ایم."

کارگران انقلابی میهنمان بدرستی شرایط را تشخیص داده اند و تودنی خود را برای تولید بیشتر در جهت رفیع کمبودها و کمک به جبهه و پشت جبهه بکار می گیرند.

وظیفه مسئولین نیز رسیدگی به کمبودها و رفع آنهاست. همچنانکه از صحبت کارگران پرمی آید و با دیدن آنها توجه شود، کوتاه کردن دست ضد انقلاب در کارها و جلوگیری از کارشکنی آن، ایجاد شوراهای کارگری برای تولید بیشتر در کارخانه ها و آموزش نظامی کارگران کمک موثر و قاطعی برای مبارزه با کمبودها در مقابل رژیم تجا و زگردام حسین

را شکست بدهیم. این جنگ کار آمریکا است. دیگری میگوید:

"ضد انقلاب داخلی هم در این جنگ دست دارد. همانهایی که مردم را راضی می کنند جنس را احتکار می کنند و گران می فروشند و سعی می کنند مردم را نسبت به انقلاب بدبین کنند."

کارگران انقلابی را نیز برای کمک به جبهه جنگ انجام داده اند. آنها فیش بانکی به مبلغ ۵۴۰۸۵ ریال را، که حقوق یکروز آنهاست و برای کمک به جبهه پرداخته اند، نشان دادند. نماینده کارگران درباره آموزش نظامی کارگران گفت:

"تا به حال چندین بار به کمیته وسپاه مراجعه کرده ایم، باید تمام کارگران را آموزش نظامی داد و بهترین کار اینست که در کارخانه ها این آموزش انجام شود، زیرا ما از صبح تا ساعت ۴/۵ عصر در کارخانه هستیم و کارگران امکانی برای آموزش نظامی در مساجد و جاهای دیگر ندارند، ما جای کافی برای این

تولید بخوا بددوباره باید دست گدایی به طرف آمریکا دراز کنیم." کارگر دیگری می گوید:

"الان گازی که به کارخانه می آید، به نسبت هر سال نصف شده است. در نتیجه تولید کارخانه کم شده و سه هزار کیسول گاز خالی مانده است. کارگران بین خود قرار گذاشته اند تا در موقع پرکردن کیسولها، حتی یک ذره گاز به بیرون نشت نکنند. کیسولهای مصرف شده و خالی را می آورند، ته مانده آنها را دیگر خالی نمی کنیم. ما قبلابرای متفقاً بقولند. نظر آنها را در باره وظایف کارگران در قبایل انقلاب می پرسیم، یکی از کارگران میگوید:

"کار، کار، کار! ما باید کار کنیم و تولید را نخواهیم و اگر کسی خواست تولید را بخواهاند، با او مقابله کنیم. اگر

گرفته شده و مذاکرات صلح، در حال حاضر به شکست انجامیده است. امید است که با تأمین حقوق خودمختاری یا خودگردانی خلقها، زندگی زحمتکشان و مردم این منطقه از وضع نابسامان خود هر چه زودتر نجات

گرفته شده و مذاکرات صلح، در حال حاضر به شکست انجامیده است. امید است که با تأمین حقوق خودمختاری یا خودگردانی خلقها، زندگی زحمتکشان و مردم این منطقه از وضع نابسامان خود هر چه زودتر نجات

گرفته شده و مذاکرات صلح، در حال حاضر به شکست انجامیده است. امید است که با تأمین حقوق خودمختاری یا خودگردانی خلقها، زندگی زحمتکشان و مردم این منطقه از وضع نابسامان خود هر چه زودتر نجات







# اسرائیل با کمکهای همه جانبه آمریکا، جنوب لبنان را به آتش و ویرانی کشیده است

جنوب لبنان در آتش جنگ می سوزد. هر روز بمب افکن های ارتش اشغالگر و متجاوز اسرافیل رزمندگان فلسطینی و مردم بی دفاع جنوب لبنان را بمباران می کنند و برای آنان مرگ و نیستی هدیه می آورند. امپریالیسم آمریکا، بزرگترین یار و پشتیبان رژیم جنایتکار اسرافیل با تجهیز هر چه بیشتر ترادار و دسته جنایتکار صهیونیستها به انواع سلاحهای مخرب و مرگ زا، نه تنها این جنایات و آیین آتش افروزیها را تأیید می کند، بلکه تاکنون چهره خود را به مثابه طراح این جنایتها نیز به دنیا نشان داده است.

اکنون مردم جنوب لبنان، در کنار نیروهای دمکراتیک لبنانی و فلسطینی به مقابله با یورشهای ارتش اشغالگر اسرافیل و دست نشاندهگان آن نیروهای فاشیست دست راستی لبنان به رهبری سرگردیانی، سعد حداد می روند و در نیروی نابرابر، برای حفظ استقلال خود شرکت می جویند.

برای آگاهی از شرایط اوضاع در این ناحیه جنگ زده لبنان، با استفاده از متن مصاحبه روزنامه نگار کمونیست فرانسوی روزه ماریا، با علی العابدی دبیر اول فدراسیون حزب کمونیست لبنان و عضو شورای سیاسی جنبش ملی لبنان شرح کوتاهی در این مورد به نظر خوانندگان گرامی "نامه مردم" می رسد.

## خودداری دولت از سرمایه گذاری در جنوب لبنان

جنوب لبنان یکی از پهنه منطقه ای است که کشور لبنان را تشکیل می دهد و

دازای یک میلیون جمعیت است. اهالی این منطقه اغلب با کشت و زرع و تجارت و نیز با ماهیگیری امرامعاش می کنند. در این منطقه نه تنها صنعت وجود ندارد، بلکه کشت و زرع نیز در سطح بسیار ابتدائی انجام میگیرد. بیش از ۷۰ درصد از زمینهای منطقه آبیاری نمیشوند و فقط از ۱۰ درصد امکانات رودلستانی استفاده می شود. با زدن توریستها از بناهای تاریخی این منطقه بخش کوچکی از درآمدهای این منطقه می دهد. فراورده های کشت و زرع برای اهالی منطقه کافی نیست و عده زیادی از جوانان آنجا برای یافتن کار به خارج از لبنان و بویژه به نوار غزه می روند. با در نظر گرفتن مجموعه این مطالب متوجه میشویم که جنوب لبنان منطقه ای است عقب افتاده با انبوهی از بیکاران. دولت لبنان نیز برای رفع این مشکلات مطالبه مردم این منطقه هیچ اقدامی نمی کند. دولت حتی برای ساختن سد روی رودخانه لیتانی، که از ۲۶ سال قبل (!) قولش را داده است، هیچ اقدامی نکرده است. گروههای دمکراتیک در لبنان بارها دولت لبنان را بخاطر عدم توجه به وضع مردم فقرزده جنوب لبنان استیضاح کرده اند. ولی هر بار دولت لبنان به دلیل اینکه ممکن است تا سیات عمرانی که قرار است ساخته شود، به دست اسرافیل بیفتد، از شروع سرمایه گذاری در این منطقه خودداری کرده است.

## حضور نظامی اسرافیل در منطقه

اسرافیل، که در سال ۱۹۶۷ دارای مرزی برابر با ۹۰ کیلومتر با لبنان بود،

پس از جنگ ۱۹۶۷ آن را به ۱۳۰ کیلومتر رسانید. عبارت دیگر، بخشی از مرز سوریه و لبنان در جنوب شرقی این کشور تحت کنترل اسرافیل درآمد. تجاوزات اسرافیل از سال ۱۹۴۸ شروع شد. در این سال اسرافیل بیست و پنج هزار هکتار از سرزمین لبنان، بویژه پنج آبادی را در جنوب به اشغال خود درآورد. یعنی اهالی این قسمت از لبنان نه تنها از آن سال بعد تحت فشارهای دائمی ارتش اسرافیل زندگی می کردند، بلکه به علت سیاست ضد دمکراتیک دولت لبنان، که تشکیل هرنوع گروه مقاومت را قلع و قمع کرده بود، این نوع گروهها نتوانستند در شیدا بند و در شرایط دمکراتیک در ادا راه امور منطقه سهیم باشند. اکثر گروههای مقاومت نیز که در این سالها فعالیت می کردند، همگی در شرایط مخفی به کار ادامه می دادند. فلسطینیهایی که در جنوب زندگی می کنند ۲۰۰۰۰ نفر اند، که در هفت اردوگاه پخش شده اند. دو اردوگاه در سعیدیه و یکی در نبتیه ۴۰ اردوگاه دیگر در اطراف منطقه تیر هستند.

از سال ۱۹۶۷، یعنی از سال جنگ اعراب و اسرافیل، حملات هوایی اسرافیل به بهانه وجود اردوگاههای فلسطینی افزایش یافتند و اسرافیل چندبار جنوب را اشغال کرد. اسرافیل بعدا مجبور به تخلیه منطقه شد.

پس از جنگ داخلی لبنان در سال ۱۹۷۵ و بویژه از سال ۱۹۷۶ به بعد و پس از ورود نیروهای سوریه و متفقین او، اسرافیل با دادن کمک های کم و بیش مخفیانه به راست گرایان افراطی مانند یاغی معروف سرهنگ حداد که در رأس گروه های مزدور در جنوب لیتانی عمل می کند، در امور داخلی لبنان دخالت کرد. ولی چون حداد، با وجود کمک های اسرافیل نتوانست بیش از دو قریه را اشغال کند و با مقاومت سرسختانه نیروهای دمکراتیک روبرو شد، اسرافیل در امر پشتیبانی از راست گرایان یک گام بجلونها دو تمام

سرزمین جنوب رود لیتانی را در سال ۱۹۷۸ - بجز منطقه تیرا شغال کرد. از واکنش سازمان ملل متحد و محکوم کردن این تجاوز، اسرافیل مجبور شد بخشی از خاک جنوب را که، کنترلش را روزبروز از دست می داد، تخلیه کند. اشغال نوار مرزی را به تروریست ها سعد حداد واگذار کرد. این امر به اجازه داد که سرزمینی به وسعت ۱۰۰ کیلومتر مربع و شامل ۴۱ قریه را به "لبنان آزاد" اعلام کند. در این منطقه اخیر، که پیش از جنگ ۱۵ هزار نفر جمعیت داشت، اکنون فقط ۶۰ هزار نفر زندگی می کنند. باقی اهالی که وحشیگریها در رودسته فاشیست سعد حداد را نمیتوانست تحمل کنند و از بیم رانهای بدون وقفه خانه و زندگیشان به ستوه آمده بودند به سوی شمال فرار کردند.

گزارشهای نظامی داخلی لبنان نشان می دهند که چون حداد نمیتواند تنها بی جنوب لبنان را تحت کنترل مزدوران خود درآورد، و پیدا کردن شخص دیگری مانند حداد نیز برای اسرافیل امکان پذیر نیست، اسرافیل دیریا زود مجبور است خود تمام منطقه را اشغال کند، و به همین جهت از هم اکنون نیروهای را در منطقه بطور سرسام آوری افزایش داده است.

از سوی دیگر نیروهای دمکراتیک لبنانی و فلسطینی در منطقه تحت کنترل حداد هدف مهم را دنبال می کند: اول اینکه با شناساندن ماهیت تجاوزکارانه عملیات نیروهای اسرافیلی و مزدوران در جنوب لبنان و از طریق فشار افکار عمومی جهان، اسرافیل را مجبور کند که مناطقی را که مستقیما تحت اشغال درآورده است، ترک کند، و دوم اینکه با این عملیات مانع اشغال مناطقی جدیدی از جنوب لبنان توسط اسرافیل و مزدوران در منطقه شوند.

بقیه در صفحه ۵

کردن خلاف جهت آب را دارد. اما اگر به استراتژی خود ایمان داشته باشیم و اگر در تعیین این استراتژی از موضع منافع طبقاتی طبقه کارگر و توده ها حرکت نمایم (و نه از موضع وضع فعلی آگاهی و توجه آنها) آنگاه در خواهیم یافت که گاه باید بقول رفیق استالین، از یک دکامیابی تاکتیکی، در جهت دست آوردن یک دکامیابی استراتژیکی، چشمپوشی نمود و این بخاطر آنست که این دکامیابی استراتژیکی، مدفون نگردد! (اعلامیه شماره ۹۷)

آری ماوتویستهای "بیکار" بیچوجه حاضر نیستند از دکامیابی استراتژیکی، امپریالیسم آمریکا، که همانا درهم شکستن انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است، دست بردارند.

## پرده آخر!

پرده آخر "شعبده توریستهای "بیکار" برای جنگیدن در سنگر آمریکا، زیر پرده الفاظ انقلابی، وقتی به نمایش درآید که قسمتی از خاک ایران اشغال میشود. البته "بیکار" در ابتدا، از آنجا که از نیاز رژیم عراق کاملاً آگاهی دارد و معتقد است که این رژیم "خواهان جنگ نیست" و لذا خاک ایران را اشغال نخواهد کرد! (۱) می نویسد:

"اینکه یک منطقه به اشغال واقعی درآید و توده ها در آن منطقه آمادگی آنرا داشته باشند که به جنگ مقاومت ملی علیه اشغالگر دست بزنند، حالتی است که در چشم انداز جنگ اخیر ایران و عراق نمی گنجد. با این وجود، چنانچه بوجود آید، در این صورت ما با یک جنگ جدید یا خصلت جدید و اهداف جدید روبرو خواهیم بود که با سرشت ارتجاعی جنگ حاضر و اهداف ارتجاعی طرفین آن مغایرت ماهوی دارد." (شماره ۷۵ - ص ۴)

"بیکار" در روز انتشار این مطالب (۱۴ مهر ۵۹) در حالیکه بخشهایی از خاک ایران در اشغال متجاوزین صدامی بود، در جملات بالا خاک در چشم توده ها می بینید، تا امپریالیسم آمریکا به هدف خود برسد.

"بیکار" در همان وضع ادامه میداد:

"اگر یک اشغال به مفهوم کامل کلمه صورت گیرد (چیزی که به نظر ما امکان ندارد) یعنی رژیم عراق پس از آتش برد طی مذاکرات یا در پی ضعف رژیم جمهوری اسلامی، منطقه ای را اشغال کرده و خود در آنجا اعمال حاکمیت کند و توده ها در آنجا بچکنند، ما به سازماندهی این مبارزه و ارتقاء سطح آن خواهیم پرداخت، چرا که در آن حالت، جنگ ارتجاعی در تداوم خود، شرایط جدیدی را پدید آورده و جنگ جدیدی را برانگیخته است، جنگی علیه دولت اشغالگر." (ضمیمه ۴ شماره ۷۵ - ص ۴)

خوب در فرمولهای بالا دقت کنید! این فرمول در هر وضعی، غیر از اشغال کامل و اعمال حاکمیت رژیم عراق در منطقه ای از ایران به "بیکار" اجازه "فرار توریست" میدهد و در واقع نظریه "بیکار" را باین ترتیب کامل می کند که: ۱- توده ها بجای جنگ با ارتش عراق، با جمهوری اسلامی ایران بجنگند، ۲- این جنگ را تا اشغال کامل بخشی از ایران ادامه بدهند، ۳- وقتی که آن منطقه اشغال و حاکمیت رژیم عراق برقرار شد، آنگاه منتظر شوند، تا ماوتویستهای "بیکار" بروند، سازماندهی کنند و مبارزه را ارتقاء دهند، تا خاک میهن آزاد شود! (البته در همین جا ناگهان معجزه میشود و ماهیت جمهوری اسلامی ایران، که به نظر "بیکار"ها وابسته است، یک شبه تغییر می کند!)

اکنون خواننده می تواند چهره واقعی "بیکار" را در پس ماسک انقلابیگری ببیند. گروهک آمریکائی - ماوتویستی "بیکار" همان شعارها و سیاستهای آمریکا را دنبال می کند، البته در لباس ماورای چپ. این است یکی دیگر از دلایل تاریخی همکاری ماوتویستها با امپریالیسم آمریکا!

او این "سیاست" البته مختص به "بیکار" نیست. تریچه های پوک دیگری مانند "وحدت انقلابی برای آزادی طبقه کارگر"، "گروه کمونیستی نبرد"، "گروه انقلابیون مارکسیست - لنینیست"، "سازمان وحدت کمونیستی" و... همراهم جندی امپریالیسم آمریکا هستند. این طیف ادامه می یابد و توسط گروهکهای "رزمندگان"، "راه کارگر"، "توفان" و... زیر "محمل توریست" دفاع در صف مستقل از توده ها، اشاگر علیه جمهوری اسلامی، "بیکار"ها اشرف دهقانی، زیر پرچم آنتارشیسم خالص از جناح "چپ" و "رنجیر" و "عدالت" تحت عنوان "دفاع از میهن، مبارزه با ارتجاع" از جناح

حلقه بعدی، یعنی سرنگونی جمهوری اسلامی ایران است.

"بیکار" می نویسد:

جنگ اخیر تضادهای طبقاتی در داخل میهن ما را تشدید کرده، تناقضات هیئت حاکمه را بیش از پیش حاد نموده و مبارزه طبقاتی را گسترش خواهد داد. (شماره ۷۵ - ص ۴) بنابراین: "کمونیستها... به تائیدهای مناسب برای رشد و سازماندهی جنبش بپردازند و این جنگ را تبدیل به جنگ انقلابی علیه بورژوازی حاکم در درون کشور بنمایند." (همانجا)

از آنجا که باز هم، این "کوری" تنها در ایران قابل اجراء است - البته در حد گروهک "بیکار" - گروهک ضد انقلابی "بیکار" از مردم میخواهد: تا کسب آمادگی و تدارک سیاسی نظامی برای تبدیل جنگ ارتجاعی میان دو رژیم ایران و عراق به جنگ داخلی، (اعلامیه شماره ۹۸) را دستور روز قرار دهند، زیرا که: "کمونیستها (بخوان ماوتویستها) نمی توانند و وظیفه دارند که در شرایط موقعیت انقلابی، دست به سلاح برده و علیه آن متجاوز یا آن کودتا کننده دست به قیام زنند. ولی این قیام مفهوم دیگری ندارد جز کوشش برای کسب قدرت سیاسی و نه شمشیر زدن در خدمت رژیم حاکم." (شماره ۷۵ - ص ۴)

و اگر این وظیفه انجام نشود:

"اگر شرایط برای آنکه شما اسلحه را بدست گرفته و با استفاده از آمادگی توده ها در مقابل هر دو رژیم بایستید، آماده است، در آن صورت حتی لحظه ای درنگ در حکم خیانت و افتادن به منجلاب شازش است." (همانجا)

و سرانجام فرمان آخر اینست:

در سرانجام باید جنگ ارتجاعی را به جنگ داخلی تبدیل نمود و برای آمادگی در مقابل وضعیتی که بپرترتیب، ما را در مقابل یک جنگ داخلی قرار می دهد، می بایست در جهت تدارک سیاسی - نظامی و سازماندهی صف مستقل و گسترش جنبش انقلابی توده ها تلاش نمایند." (اعلامیه شماره ۹۷)

و برای اینکه توصیه میشود:

"سربازانی که در جبهه های دوطرف کشته میشوند... تفنگهای خود را... بسوی سرمایه داران کشورهای خود بگردانند..." (شماره ۷۵) و: دشمار ما اینست که کارگران ایران و عراق متحد شوید و سرمایه داران خود را براندازید." (همانجا)

## توده ها مهم نیستند!

البته "بیکار" بدرستی می داند:

"خودداری از شرکت در آن (جنگ) و چگونگی تبدیل آن به جنگ علیه ارتجاع امری ساده نیست" (شماره ۷۵) زیرا که: "دین توده های زحمتکش هستند که در اثر تجاوز سر بازان عراقی به جان و مال آنها مجبور به مقاومت خود بخودی در مقابل این تجاوز هستند، ولی مهم این است که ما چه تحلیلی از ماهیت جنگ و سیاسی که در تداوم خود به جنگ انجام میدهد است، داریم." (همانجا - ص ۴) (اینجا از دست "بیکار" در رفته و تجاوز رژیم صدام را لو داده است!)

ولی از آنجا که توده ها مهم نیستند و این "تحلیل" آقایان است که مهم است! و به همین خاطر است که دفاع زحمتکشان با جنگ و دلدادن از خانه و گشاده شدن درازد "بیکار"ها "مستی توده ها" (همانجا) معنی میدهد، برای انجام وظیفه خود توصیه می کنند که:

"البته در تبلیغ ضد جنگ نباید «فانی» بود. توده ها در حال حاضر در اثر خوشبختی خود نسبت به رژیم ارتجاعی حاکم و متاثر از سمومات شوونیستی بورژوازی ایران، دچار شوونیسم و دفاع طلبی بوده و در برابر «مبلغان» ضد جنگ سرسختی نشان خواهند داد، و چه بسا که گاه مبلغین ضد جنگ را در مقابل عراق، «نوک آمریکا» و غیره و غیره بنامند!" (ضمیمه ۴، شماره ۷۵ - ص ۴)

"بیکار"های ضد انقلابی که میدانند باین سیاست خائنه درمیان خلق متروک خواهند شد، به هواداران خود توصیه میکنند که: «فادریستی استدلال کسانی را که بدون توجه به اصول انقلاب، اعلام می کنند که ما منزوی خواهیم شد، بر ملا سازند» (شماره ۷۵ - ص ۴) "بیکار"های ضد انقلابی به همین خاطر است که در اعلامیه های مکرر می گویند، زیر پرده الفاظ انقلابی، «هاداران صادق خود را گمراه میکنند»

ماتوئیستهای...

بقیه از صفحه ۴

## و اکنون در عمل...

بعد از "کوری" توبت به عمل میرسد. اکنون که محل "کوری" راه را برای "بیکار" هموار کرده است، باید دست بکار شد. چگونه؟ ماوتویستهای "بیکار" رهنمود می دهند:

"اگر ما بگوئیم که این جنگ، جنگی است میان دو ارتجاع و فقط به دادن اعلامیه های پرلمطراق علیه آن اکتفا کنیم، واضح است که در عمل به پاسیسیسم افتاده و بنوعی دیگر در خدمت بورژوازی خود قرار گرفته ایم." (ضمیمه ۴ شماره ۷۵ - ص ۴) بنابراین چون خود توده ها در این جنگ شرکت میکنند برای آموزش به آنها در کنارشان خواهیم بود. (همانجا ص ۴)

تا چه زمانی "بیکار"ها در کنار توده ها خواهند بود؟

"ما یقین داریم که تا آنجائیکه ممکن است در شهر بمائیم، البته نه تا آخرین نفر نفس، بلکه تا آنجائیکه منافع و نیاز خلق و جنبش کمونیستی ایجاب می کند، (خبرنامه جنگ بیکار - شماره ۴ - ص ۵) یعنی "بیکارگران" سر برنگاه که «وظیفه شان را انجام دادند، فرار می کنند! از کنار چه کسانی؟ از کنار: همه کسانی که در آبادان هستند، منتظر حمله هستند و مرگ بسیار عادی شده است. روحیه خیلی از مردمانی که اینجا هستند کاملاً انقلابی هستند. (همانجا) اما قبل از فرار وظیفه "بیکارگران" چیست؟ "بیکار" می نویسد:

"سیاست تحریم فعال و انضای اهداف هر دو طرف درگیر برای پروتاریا و زحمتکشان هر دو کشور، (شماره ۷۵ - ص ۴) افشا برای چه؟ برای: رشد و سازماندهی جنبش" (همانجا) برای اینکه لازم است: ۱- «بسا پردباری و با در نظر گرفتن مجموعه شرایط دست به تبلیغ زده و به سازماندهی توده ها حول مقاومت در مقابل عواقب جنگ، از قبیل اعزام به سربازی، گرانی خواربار، قحطی مواد، بمباران، گرسنگی و ارتقاء آن در سطح سیاسی بپردازند.» (ضمیمه ۴ - ص ۴)

۲- در قفا باید وسیعترین تبلیغات را علیه جنگ ارتجاعی ایران و عراق و ادامه جنگ از سوی هر دو رژیم و عوام فریبیها و بهره برداریهایی که رژیم جمهوری اسلامی از این جنگ می نماید، برآه اندازند... (از اعلامیه شماره ۹۷)

۳- کمک به توده های خلق که در اثر جنگ ارتجاعی کنونی دچار مصائب شدید شده اند، ضروری است... بدون شک این اقدام انقلابی حمایت و آماده، در خدمت توضیح و تبلیغ سیاسی مبنی بر انضای اهداف ارتجاعی جنگ کنونی چه از نظر هیئت حاکمه ایران و چه رژیم ضد خلقی عراق خواهد بود. (همانجا)

۴- کارگران، زحمتکشان و توده های خلق رژیم جمهوری اسلامی، اکنون افرادی از شما را که تا سال ۵۶ خدمت سربازی را انجام داده اند، باز دیگر به بهانه «دفاع از میهن» در جنگ با عراق به خدمت و دفاع از منافع سرمایه داران فراخوانده است. علاوه بر آن رژیم از کارگران نیز دعوت کرده است که در جنگ شرکت کنند. کارگران و زحمتکشان ما می پرسند: چرا باید در این جنگ شرکت کنیم؟ (اعلامیه مورخ ۵۹/۷/۸)

۵- «کار توضیحی و انضای در میان توده ها راجع به عدم شرکت آنها در این جنگ تجاوزکارانه و ارتجاعی» (اعلامیه ۹۸)

ماوتویستهای "بیکار" با تخصص ویژه کارشناسان جنگ روانی، مطالب بالا، بویژه اعلامیه و تراکتهای خود را، که بعد از آغاز جنگ تعداد آنها صدها برابر شده، چنان ارائه داده اند که ظاهراً آن خطاب به هر دو رژیم است. اما از آنجا که این اعلامیه ها در میان مردم ما پخش میشود، در عمل نتیجه آن تبلیغات وسیع علیه جمهوری اسلامی ایران است، که توده ها برای دفاع از آن بادشمن متجاوز می جنگند. باین ترتیب حلقه اول «سیاست "بیکار" چنانچه از رهنمودهای یاد شده پرورشی ییادست، چلسوگیری از شرکت توده ها در جنگ است، تا هر چه بیشتر به رژیم جنایتکار عراق و از این طریق به امپریالیسم آمریکا در رسیدن به اهدافش، یعنی تسخیر خوزستان و... حیل ضد امام بایستد و خلق "امام جعفر" را...

### روحانیت مبارز...

بقیه از صفحه ۱

آنچه که ضدانقلاب یا بی‌پروائی در توطئه اخیر مطرح ساخت و خواستار «برکناری روحانیت از سیاست» گردید، باز هم امر تازه‌ای نیست. این شمار درست در زمانی که زلزله در پایه‌های رژیم استبدادی - طاغوتی شاه ملعون، افتاده بود و آنرا به سقوط تهدید می‌کرد، از طرف کرگزاران این رژیم و نیز روحانی‌نمایانی که سالها «دور از سیاست» می‌زیستند و سر در توبره «عظایای ملوکانه» داشتند، مطرح گردیده بود، که با بی-اعتنائی خلق مواجه گردید و منادیان آنرا «از سیاست‌بدوره» انداخت.

درواقع «برکناری روحانیت بطور اتم از سیاست» بپیچوجبه مورد نظر امپریالیستها و عمال داخلی آنها نیست. جای آن روحانی‌نمایانی که «پا روی دم افمی امپریالیسم» نمی‌گذارند و خلق را از «برداشتن لقبه‌های بزرگ» برحذر میدارند، همانهایی که امام خمینی «تفر» خود را از آنها اعلام می‌کنند، روی چشم امپریالیسم آمریکاست. خیر، امپریالیستها آن روحانی‌نمایانی را که خواستار «سلطنت و نه حکومت شاه» بودند و با تشکیل «شورای سلطنت» روی خوش نشان میدادند، همانهایی که آماده برسمیت‌شناختن کودتای ۱۸ تیر بودند، مدنظر ندارند و همانگونه که امام خمینی تأکید کرده‌اند، «پا روحانی بد نیست که بدند». امپریالیسم آمریکا و بیروان خط برزیسکی در داخل کشور، چه‌بسا از افتادن سکان حکومت بدست این‌گونه روحانی‌نمایان، با مسرت استقبال کنند. آنچه که دشمنان سوگندخورده انقلاب ایران با آن مخالفتند، «روحانیون خوب» یعنی آن روحانیونی هستند که دل دربرشان برای مستضعفین، رنج‌دیدگان و محرومان می‌طبد، کوشش‌های را بر کاخ نشین عزت و شرف می‌نهند و می‌خواهند حکومت مستضعفین را برقرار کنند. آنچه که دشمنان انقلاب بدان کینه می‌ورزند، روحانیونی هستند که «تمام گرفتاریها را از آمریکا» می‌دانند و برای قطع دست متجاوز، توطئه‌گر و استقلال‌برداشته این اهریمن بزرگ، خلق را مسلح و بسیج می‌کنند و گوری فراخ برای امپریالیستها تدارک می‌بینند. امپریالیسم آمریکا و نمایندگان طبقات زالوصفت و غارتگر داخلی، از آن روحانیونی تفر دارند که بسود دهقانان زحمتکش و بوزمین، دست فاضل مالک بزرگ و زمیندار کلان را قطع می‌کنند و ذرع را از آن‌زارع» می‌دانند و بالاخره آن روحانیونی را از سیاست بدور می‌خواهند که سرهای بزرگ جلادان را قطع کردند و اموال بزرگ غارتگران را بسود خلق مصادره نمودند.

آری دشمنان انقلاب تنها با آن روحانیونی مخالفتند که درجهت تعمیق انقلاب بسود زحمتکشان و به زیان غارتگران حرکت می‌کنند. علت این جنجال گسترده را باید در این نکات جستجو کرد. یکی از روشهایی که دستگاه‌های تبلیغاتی امپریالیسم و بیروان ایرانی سازش با امپریالیسم یا بعبارت دیگر لیبرالها، برای تضعیف روحانیت مبارز رهبری امام خمینی بدان توسل می‌جویند، حمله به این روحانیت از موضع «اسلامی» و تلاش برای «اثبات» این امر است که، روحانیت مبارز برهبری امام خمینی از خط «شرع و اسلام» خارج شده و به دامان «کمونیسم»، درغلطیده است! امپریالیسم آمریکا بدین منظور تمامی نیروهای خود و پویژه «نیروهای روحانی» خود را بسیج کرده و آنها را برای ترویج و تبلیغ این فکر به‌عرصه کارزار گسیل کرده است. از فتوای مفتی‌های مرید امپریالیسم در مصر و مراکش مبنی بر «مسلمانان نبودن امام خمینی و «تکفیر» رهبران انقلاب ایران گرفته تا تلاش مائوئیستیهای مسلمان‌نما و لیبرالهای سازشکار مکلا و معمم داخلی برای «اثبات» این امر که، پیگیری در مبارزه بسا امپریالیسم و جهت‌گیری بسود مستضعفان، همانا «کمونیسم» و «القاء ایدئولوژی» توسط «توده‌ای‌ها»

است، همه و همه تلاشهایی است تا روحانیت مبارز را از استواری در مبارزه با امپریالیسم و جهت‌گیری بسود زحمتکشان بازدارند و با بهره‌گیری از تبلیغات دها ساله امپریالیسم و خاندان پهلوی علیه «کمونیسم و کمونیستها» و سوء استفاده از سوء تفاهات و پیشداوریهای موجود در میان مسلمانان انقلابی نسبت به «کمونیسم و کمونیستها» به مقصود اصلی خویش، که همانا منحرف کردن مبارزه استقلال طلبانه و خلقی روحانیت مبارز و مردم ایران است، دست یابند.

### انقلاب ایران با...

بقیه از صفحه ۱

و دیگر حقوق حقه آنها، از جمله حق تعیین سرنوشت خود و حق تشکیل یک حکومت مستقل، را هم محترم شمرند، هر روز دسیسه‌های ضد فلسطینی جدیدی را طرح می‌ریزند: یک روز ساخت و پاخت «کمپ دیوید» را علم می‌کنند، روز دیگر بیت المقدس را بعنوان «پایتخت ابدی» و تقسیم‌ناپذیر» اسرائیل اعلام می‌دارند و اکنون نیز، در پس نقشه «خودمختاری»، می‌کوشند تا حق تعیین سرنوشت فلسطینی‌ها را بدست اسرائیلی‌ها و ایادی مرتجع عرب خود سپارند.

با انفراد و رسوایی فزاینده سیاست اسرائیل و امپریالیسم آمریکا در قبال مسئله فلسطین، مرتجعین عرب؛ سادات، شاه حسین‌ها و ملک‌خالد‌ها، هرچه بیشتر به عامل «دیوید» می‌باشند. محاسبات امپریالیستی-صهیونیستی در خاورمیانه تبدیل می‌گردند. علیرغم جنگ زرگری که امپریالیسم آمریکا میان صهیونیستها و خیااتکاران سازش-کار عرب‌براه انداخته است، چنین می‌نماید که قصد آنست که «کمپ دیوید» در بسته‌بندی جدید ارائه گردد. این بسته بندی، که سوداگران سیاسی همتازان اروپایی غربی امپریالیسم آمریکا، نیز در آن بی‌ابتکار» نبوده‌اند در بهترین حالت تنها اردن باختری و نوارغزه را شامل خواهد شد. بموجب این نقشه، مناطق نامبرده به دو بخش تقسیم

### کشورهای عضو...

بقیه از صفحه ۱

توسعه کارها، که الان ضعیف است. گسترش این ملاقاتها حتما باید باشد و از اشتباهات ما در گذشته این بود که اینکار را نکردیم. دولت‌های این کشورها همگی می‌گفتند که چیزی غیر از این انقلاب نمی‌توانست پایگاه امپریالیسم و اسرائیل را در منطقه بشکند و آمریکا را در منطقه متزلزل کند.

حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی، در مورد جنگ رژیم صدام علیه ایران، ضمن اشاره باین نکته که «این جنگ، جنگ بسا آمریکاست» گفت:

«کشورهای خلیج فارس و بخصوص یمن جنوبی که ما با هم همکاری‌هایی خواهیم داشت، می‌گفتند که آمریکا دارد بسا ایران می‌جنگد و ایران با آمریکا در حال جنگ است.»

حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی، در مورد نقطه نظرهای جنبش آزادی-بخش فلسطین در مورد جنگ رژیم صدام علیه ایران گفت:

«من یک جلسه طولانی بسا سران نهضت آزادیبخش فلسطین در دفتر آقای یاسر عرفات داشتم و بطور کلی در مورد موضعگیری

خواهد گردید: یک بخش بسه اسرائیل، الحاق می‌یابد و در بخش دیگر، که اردن آن را تصاحب خواهد کرد، یک باصطلاح فدراسیون اردن - فلسطین، به رهبری شاه حسین تاسیس خواهد گشت.

یکی از واقعیاتی، که امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم هنوز نمی‌خواهند بپذیرند، آنستکه «سازمان آزادیبخش فلسطین» تنها نماینده راستین خلق فلسطین است. قطعنامه ۷ مرداد ۱۳۵۹ مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز باریکتر «حق جنبش آزادی-بخش فلسطین» نماینده خلق فلسطین، را مبنی بر شرکت برابر حقوق در همه کوششها، مشورتها و کنفرانس‌های سازمان ملل متحد پیرامون مسئله فلسطین و اوضاع خاور نزدیک تأیید می‌کند.

با اینهمه، ریگان، رئیس-جمهور منتخب ایالات متحده، با نسبتهای دشنام آمیز و زنگ زده‌ای چون «تروریستی»، بزم خود می‌خواهد واقعیاتی چنین عیان و معتبر چون سازمان آزادیبخش فلسطین را نادیده بگیرد! متأسفانه در خود کشور ما نیز، برخی، که بعلت عمق جنبش همبستگی خلق ایران با مردم فلسطین، نمی‌توانند نیات لیبرالیستی - سازشکارانه، رموز و حتی ضدفلسطینی خود را آشکارا ابراز دارند، زیر پرچم «فلسطین» و «فلسطین دوستی»، به جو سازی پنهان و عیان علیه «سازمان آزادیبخش فلسطین» می‌پردازند. تازه‌ترین نمونه چنین جو سازی را همین چندی پیش در برخی روزنامه‌های لیبرالی

آنها در جنگ صحبت کردم. آنها نظر واقفشان حمایت از ایران بود. رهبران دست دوم فلسطینی هم، همه صریحا نظر ایران را تأیید می‌کنند. حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی، گفت:

«ما به آنها گفتیم که ما جنگ راه، در وضع موجود، خودمان اداره می‌کنیم، اما اگر جنگ به شکل دیگری ادامه پیدا کند، باید آمادگی داشته باشیم. این همکاری در مورد چیه پایداری فکر می‌کنم زیاد خواهد بود.»

حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی، در پاسخ این پرسش که: «آیا اتحاد شوروی به عراق کمک می-کند»، گفت:

«همین جا که بودم، خبری داشتیم، و آنجا که رفتم، این خبر تأیید شد. اینجا که بودیم بطور رسمی از طرف آقای بنی‌صدر به ما اطلاع داده بودند که شوروی به فرستاده عراق که رفته اسلحه می‌خواسته است، گفته است که ما این جنگ شما را جنگ بفتح امپریالیسم می‌دانیم. جریانی که در ایران حاکم است، جریان ضد امپریالیستی است و ما نمی‌توانیم کمک کنیم

انجام گیرد، توطئه‌ای علیه انقلاب و دستاوردهای آن است، توطئه‌ای علیه منافع زحمتکشان بسود غارتگران است، توطئه‌ای علیه استقلال ایران بسود امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکاست. در یک کلیه، توطئه‌ای است برای تضعیف و بی-محتوی کردن خط ضد امپریالیستی و خلقی امام خمینی!

دیدیم. بدبختانه، در مسواری محدود عناصر و نشریات صادق ضد امپریالیستی نیز از افتادن در دام این دسیسه شیطننت آمیز مصون نماندند. اما، چنانکه ملاقات اخیر حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی ایران با یاسر عرفات در بیروت و برخی دیگر از گرایش‌های مثبت روزهای پیش نشان می‌دهد، همبستگی دو خلق و انقلاب ایران و فلسطین با یکدیگر و مناسبات دوستانه سنتی میان جمهوری اسلامی ایران و سازمان آزادی-بخش فلسطین ریشه‌دارتر و عمیقتر از آنست که گروهی لیبرال جو ساز و برخی برداشت‌های سطحی بتوانند در آنها خلل وارد آورد.

ما روز همبستگی بین المللی با خلق فلسطین را منتعم می‌شمیریم و بار دیگر همبستگی بی‌دریغ خود را از یکبار دلیرانه خلق فلسطین برهبری سازمان آزادی-بخش فلسطین ابراز می‌داریم. ما نیز، چون سازمان آزادیبخش فلسطین، معتقدیم که تا حل همه جانبه مسئله فلسطین - از طریق وادار کردن اسرائیل به عقب نشینی از همه مناطق اشغالی فلسطین و عرب، از جمله بیت المقدس و شناسایی حقوق حقه خلق فلسطین، از جمله حق تعیین سرنوشت و تشکیل یک دولت مستقل ملی خویش - باید با همه توان و دوش بدوش خلق برادر فلسطین با دسیسه‌های امپریالیستی، صهیونیستی و خیااتکارانه علیه خلق قهرمان فلسطین، به یکبار بی‌امان و قاطع ادامه داد.

به جنگی که علیه آن جریان کار می‌کنند. این مسئله در کشورهای لیبی و سوریه هم، به آنها هم اطلاع داده بودند. به ما گفتند که شوروی هم به آنها اطلاع داده. دیگر محرز شد که شوروی الان حاضر نیست بسه عراق کمک کند.»

حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی افزود:

«کشورهائی مثل سوریه، لبنان، فلسطین و لیبی، اینها با آمریکا درگیر بودند و موضعشان این بود که این جنگ تحمیلی آمریکاست و ما با آمریکا در جنگیم. مثلا یمن جنوبی هم که با ما همکاری می‌کند، رویهم رفته این نظر را داشت که اصلا آمریکا دارد با ایران می‌جنگد. آنها یش از آنچه ما اطلاع داشتیم، می‌گفتند. مثلا می‌گفتند که یمن شمالی مقدار زیادی اسلحه شوروی در اختیار داشته که آنها را فروخته به عراق و یا می‌گفتند که فرانسه با اشاره آمریکا، مرتب دارد عراق را تجویز می‌کند و یا می‌گفتند که عراق قبلا یک میلیارد دلار داده به اردن برای توسعه بندر عقبه و معلوم بود که با نقشه آمریکا بندر عقبه مجهز شده بسرای پذیرفتن کشتیها در جنگ.»

در تمام نیروهای متعبد و انقلابی است که در مقابل این توطئه خطرناک و ضدانقلابی با تمام قوا از مواضع ضد امپریالیستی و خلقی روحانیت مبارز و انقلابی، بی‌امان و قاطع دفاع کنند.

## باروت گر گرفته خوزستان

آزاد باش و مغرور  
ای سرزمین ویران!  
ای پاره پاره چگ ایران!

تیغ برهنه آزادی!  
صیقل گرفته از خون  
پستان شیرده!  
ای تفت! ای صبور!  
زخم شکفته! شعله شتگرفی!  
ای سرزمین عشق!  
ای صورا ای عبورا  
رنگین کمان خون به‌شانه زاگرس!  
ای سرزمین ویران!  
گوگرد گر گرفته خوزستان!

می‌بینمت چه مغرور  
با کرخه می‌روی  
پز جوش و پر خروش  
عاشق تر از همیشه  
دل می‌دهی به غرش شیران  
جان برکشان.  
چشم و چراغ ایران!  
ای شعر! ای شعور!  
ای عشق! ای حماسه خوزستان!

رگ می‌گشایی از جان  
تا بارور شوی  
رزمنده و رونده  
در بستر همیشه کارون  
میلاد تازه‌ات را  
پیغامبر شوی  
می‌کوبد به هلهله دشمن.  
چونان که پتک به سندان

فرزندهای کوچک تو این بار  
بیدار و استوار  
امیدوار  
یا کوکتل مولوتف  
با مشت، با سه‌راهی  
ارابه‌های نکبت سرمایه را  
از هم دریده‌اند  
اینگونه‌ات به شعله وحدت سمندران  
حتا ندیده‌اند

می‌جوشد از یقین تو آزادی  
در می‌شود به سینه‌ات آواز بزرگ  
با خون کارگی  
می‌بینمت چه روشن  
پرشور و پرش  
ای سرزمین پر خون  
زیبا - اگر چه غمگین -  
آزاد

مثل کارون  
ای سرزمین ما  
آمیخته خون نظامی  
با جان پاسدار  
آوردگاه توده‌ای، ای عرصه فنا  
ای شعله شکفته خوزستان!

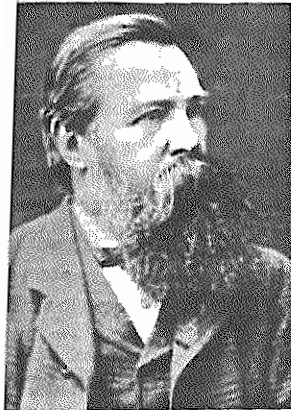
بشتاب بیش از این  
تا باورت کنند  
آنسوی تر ببین  
خونلا به‌های دشمن  
با رزمناوها که فرو می‌روند  
در باتلاق خون

آزاد باش و مغرور  
ای سرزمین ویران!  
ای انفجار!  
باروت گر گرفته خوزستان!  
۲۸ مهر ۵۹ - جلال سرفراز



### بمناسبت صد و شصت و ششمین سالروز تولد

# فردریک انگلس - همفکر و همروزگار مارکس



آن موضوع خاص هر دانش طبق شکل‌های عینی حرکت ماده مغین میشود. در این طبقه‌بندی دانشهای بشری است که مقام فلسفه به- منابه یک علم روشن میشود و در عین حال نادرستی بینی که فلسفه را «علم‌العلوم» مینامد، بخوبی آشکار میگردد. فلسفه، که یکی از شکل‌های شعور اجتماعی است، علم به عام‌ترین قانونمندیهای کلی است که هم هستی (طبیعت و جامعه) و هم تفکر انسانی و روند شناخت تابع آن قانونمندیهاست. انگلس قلمبه نمائی به دانش فلسفه داد که بدان وسیله بتواند در اقیانوس عقاید و آراء، جریانها، مکتب‌ها و سیستمهای بیشمار راه درست را بیابد و سردرگم نشود. وی مسئله اصلی فلسفه را، کف مسئله مناسبات بین روح و ماده، شعور و طبیعت است روشن کرد و جنبه طبقاتی تفکر فلسفی را آشکار ساخت.

آنچه انگلس در تکمیل و توضیح تئوری شناخت (گنوسولوژی یا «علم‌المعرفه») و به‌ویژه در مبارزه علیه لادریسون (آگوستیناها که منکر شناختند) انجام داده است، اهمیت بنیادی دارد. در این ارتباط، طرح وحل یک ردیف از مسائل عمده منطبق دیالکتیک توسط انگلس دارای اهمیت خاص است. در توضیح و گسترش مسائل عمده ماتریالیسم تاریخی، بویژه مبارزه انگلس علیه «اقتصادگرایی عامیانه» (اگنونومیسیم و لکر) که در مین ما نیز آنرا بجای مارکسیسم جا میزنند و سپس در زد و انتقادی قلمفرسائی و سخنرانی میکنند) حائز اهمیت است.

انگلس نشان داد که نقش تعیین کننده شرایط مادی زندگی مردم، بی‌چوجه نقش فعال معنویات را کاهش نمیدهد و همچنین نقش موثر شخصیت‌ها را در تاریخ رد نمیکند. بلکه برعکس، بر زمینه درک علمی و درست نقش

از نام‌های مارکس و انگلس دیده میشود که «اسلام» توجه هر دو متفکر بزرگ را سخت بخود جلب کرده بود. آنها همواره از «اسلام» بصورت «انقلاب اسلامی» و «انقلاب دینی محمله» سخن می- گویند.

انگلس تا آخرین لحظات حیات خود در زندگی سیاسی اروپا شرکت فعال داشت و به‌همراه مارکس، پیشوای نابغه جنبش کارگری، بنوشته‌ترین، «چراغ راهنما» و رهبر سوسیالیستهای اروپا بود.

برای نشر این دو جلد، انگلس شخصاً به پژوهشهای علمی فراوانی دست میزند. در همین دوران، که مارکس توجه اساسی خود را به تالیف کتاب «سرمایه» (کاپیتال) معطوف کرده بود، انگلس به بررسیهای فلسفی همت می‌گمارد و به گسترش و تکامل آموزش ماتریالیسم دیالکتیک و ماتریالیسم تاریخی می‌پردازد. کار عظیمی که او در تکمیل و تدوین فلسفه مارکسیسم کرده است، در آثاری نظیر «لودویگ فویرباخ و پایان فلسفه کلاسیک آلمان»، «آنتی- دورینگ»، «منشاء خانواده»، مالکیت خصوصی و دولت» و غیره منعکس است، که تاکنون نیز از آثار کلاسیک جهان‌بینی مارکسیسم اند. خدمتی که انگلس در کاربرد اندیشه‌های ماتریالیسم دیالکتیک در طبیعت شناسی انجام داده، اهمیت خاصی در گسترش متدولوژی (شیوه‌شناسی) این جهان‌بینی داشته و دارد. اندیشه- هائی که او در آثاری چون «لودویگ فویرباخ...»، «آنتی- دورینگ» و بویژه در «دیالکتیک طبیعت» بیان داشته است، چنان عمق و وسعتی داشته، که اهمیت سالها بعد، بموازات تکامل دانشهای بشری آشکارتر شده است.

خیلی از اکتشافات علمی قرن ۲۰ در واقع توسط انگلس پیش- بینی شده بود. از آنجمله اند نظریه مربوط به پیوند فاکستنی ماده و حرکت و بینش مربوط به وحدت زمان و مکان، درباره پایان‌ناپذیری شکل‌های ماده و ساختمان مرکب اتم، انتقاد از تئوری «فناي گرم» جهان، درباره زندگی چون شکل حرکت ماده، که در مرحله معینی، از گسترش طبیعت غیر آلی بوجود آمده است و غیره.

اطلاعات وسیع و شناخت همه- جانبه به انگلس امکان داد تا سیستم منظمی از طبقه‌بندی علوم بر بنیاد واحدی تهیه کند، که در

برای تاسیس «اتحاد کمونیستها» پرداختند، که بعدها به حزب انقلابی طبقه کارگر مبدل گردید. انگلس در سال ۱۸۴۷ طرح برنامه این «اتحاد» را به نام «اصول کمونیسم» مینویسد که بر بنیاد آن، یکسال بعد، «مانیفست حزب کمونیست» - اثر مشترک مارکس و انگلس تدوین میشود و ایجاد آموزش کامل مارکسیستی - ایده‌نولوژی علمی طبقه کارگر، اعلام میگردد. فعالیت روزنامه‌نگاری انگلس نقش بزرگی در ترویج و تبلیغ جهان‌بینی و ایده‌نولوژی طبقه کارگر و همبستگی نیروهای دموکراتیک ایفا میکند. در حوادث انقلابی سالهای ۱۸۴۸-۱۸۴۹ انگلس شخصاً شرکت میکند و فعالانه در صفوف نیروهای انقلابی می‌رزد. پس از شکست انقلاب او به‌همراه آخرین گردانهای رزمنده مین خود را ترک میکند. در سالهای بعد که در مهاجرت زندگی میکرد، انگلس به تعمیم نظری تجربیات انقلاب آلمان می- پردازد و آثار گرانبهایی چون «جنگ دهقانی در آلمان» و «انقلاب و ضد انقلاب در آلمان» برشته تحریر درمی‌آورد. در این آثار است که انگلس نقش پس مهم دهقانان بمنابۀ متفق طبقه کارگر را روشن می‌کند و از روی خیانت طبقه بورژوازی پرده برمی- دارد.

پس از مسافرت به انگلستان، که مارکس هم بدانجا آمده بود، انگلس با شرکت فعال در جنبش کارگری، یکی از کوشندگان مؤسس بین‌الملل اول می‌شود و مبارزه نظری و عملی علیه افکار آفاریستی (هرج و مرج طلبانه) و اپورتونیستی (فرست‌طلبانه) را پیش میرد. از این زمان انگلس در عرض مدت چهل سال پیوسته به مارکس در تالیف اثر جاویدانش «سرمایه» کمک میکند و جلد‌های دوم و سوم آنرا پس از وفات مولف، خود به‌چاپ میرساند.

درباره امتناع داوطلبانه سرمایه- داران از حاکمیت (آشنائی پیدا میکند و به‌فارسائیهای ایده‌نولوژی و سیاست این جنبش پی‌میبرد. نتیجه‌بررسیهای او در «یادداشت- هائی در نقد اقتصاد سیاسی» (۱۸۴۴) و «وضع طبقه کارگر در انگلستان» (چاپ ۱۸۴۵) منعکس شده است.

مارکس، که خود با جنبش چارتیست‌ها در ارتباط بود، پس از اطلاع از اثر انگلس، آنرا یادداشت‌های دایمانه در انتقاد از مقولات علم اقتصاد سیاسی نامید. در این آثار، انگلس رسالت بزرگ و تاریخی طبقه کارگر را به نحوی علمی مستدل ساخت، آتیه روشن طبقات زحمتکش را متذکر شد و برای نخستین بار نشان داد که طبقه کارگر-پرولتاریا تنها یک طبقه متمسک نیست، بلکه طبقه‌ایست که در راه آزادی خود مبارزه میکند.

انگلس در انگلستان سوسیالیست میشود. بزودی او انگلستان را ترک میکند و به پاریس میرود (۱۸۴۴) و در اینجا با کارل مارکس ملاقات میکند. این دیدار، سر آغاز دوستی عمیق و صمیمی این دو متفکر بزرگ میشود که عمر خود را به مبارزه عملی و نظری در راه آزادی طبقه کارگر از ستم سرمایه‌داری مصروف داشتند. آنها با هم در سالهای ۱۸۴۶-۱۸۴۴ آثار مشهور خود «خانواده مقدس» و «ایدئولوژی آلمانی» را برشته تحریر درآوردند، که در واقع تجدید تفکری در نظرات فلسفی هگل و فویرباخ بود، که در آن زمان رواج بسیار داشت. در این دو کتاب بزرگ است که مارکس و انگلس مبانی فلسفی جهان‌بینی علمی طبقه کارگر، یعنی ماتریالیسم دیالکتیک و ماتریالیسم تاریخی، را تنظیم کردند.

به موازات فعالیت گسترده نظری، مارکس و انگلس به کار عملی

بشریت مترقی ۲۸ نوامبر (۷ آذر) صد و شصت و ششمین سالروز تولد فردریک انگلس، اندیشمند و انقلابی بزرگ، همفکر و همروزگار کارل مارکس را، که به‌هم آموزش سوسیالیسم علمی را به- وجود آوردند، با قدردانی بسیار یاد کرد.

فردریک انگلس در پاریس (آلمان) چشم دنیا گشود. وی از دوران جوانی تلاش فراوانی به شرکت در راه تغییر نظام اجتماعی موجود داشت. از پانزده سال ۱۸۴۱، که خدمت ارتش را در برلن و در عین حال زمان فراغت را به شنیدن سخنرانی‌ها در دانشگاه میگذراند، به جناح چپ «طرفداران جوان هگل» پیوست. همین زمان بود که او به انتقاد مستدل و درخشانی از افکار ارتجاعی شلینگ پرداخت. اثر او بنام «شلینگ و الهام» در سال ۱۸۴۲، مربوط به این دوره از زندگی اوست. انگلس در عین حال به انتقاد تضادهای دیالکتیک ایده‌آلیستی هگل و نتایج محافظه- کارانه‌ای که او میکشید پرداخت. اما تحول جدی در نظرات انگلس زمانی صورت گرفت که به اصرار پدر برای بررسی امور بازرگانی به انگلستان رفت. از این زمانست که او با زندگانی و وضع طبقه کارگر پیشرفته‌ترین کشور سرمایه‌داری آنوقت مستقیماً تماس پیدا میکند و وضع طاقت‌فرسای زندگی پرولتاریای انگلستان توجه عمیق او را جلب میکند.

انگلس در انگلستان با جنبش کارگری چارتیسم و نظرات سوسیالیسم تخیلی آن (بویژه

انگلس در انگلستان با جنبش کارگری چارتیسم و نظرات سوسیالیسم تخیلی آن (بویژه

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸ (دفتر نامه «مردم» هنوز در اختیار نامه «مردم» نیست)

نامه مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸ (دفتر نامه «مردم» هنوز در اختیار نامه «مردم» نیست)

**NAMEH MARDOM**

No. 382  
30 November 1980

Price: West-Germany 0.80 DM  
France 2 Fr.  
Austria 8 Sch.  
England 20 P.  
Belgium 10 Fr.  
Italy 350 L.  
U.S.A. 40 Cts  
Sweden 1.50 Skr.

خوانندگان گرامی نامه «مردم» و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر با نامه «مردم» مکاتبه کنند:

صندوق پستی ۱۴/۳۵۵۱، منطقه پستی تهران

## همکاری رژیم امریکائی پاکستان با برتری طلبان پکن افزایش می‌یابد

معاون نیروی دریائی چین، در راس یک هیئت نظامی، برای گفتگو با رهبران رژیم دست- نشانده پاکستان وارد این کشور شد. ورود این هیئت به پاکستان نشان‌دهنده گسترش همکاریهای رژیم امریکائی ضیاءالحق و رهبران پکن علیه افغانستان و تشدید جنگ اعلام نشده علیه این کشور است.

از سوی دیگر، دیدار این هیئت چینی از پاکستان می- تواند با فعالیت‌های خرابکارانه رژیم سرسپرده ضیاءالحق و برتری طلبان چین علیه هندوستان بی‌ارتباط باشد.

## مردم پاکستان نیز برای کسب حقوق خود مبارزه قاطعی را آغاز کنند.

واشنگتن نیز از آن یم دارد که مردم خلیج فارس از انقلاب‌های رهایی‌بخش منطقه، و از جمله از انقلاب افغانستان برای آزاد شدن الهام گیرند.

اندر بدو ورود به کابل شدیداً دچار شگفتی شدم، زیرا رسانه‌های گروهی رژیم ضیاءالحق روز و شب درباره زد و خورد و کشتار در کابل داستان‌هایی می‌کنند.

## رویدادهای جهان

اندریشمند برجسته هندی: شوروی همیشه دوست خلقهای مسلمان بوده است. علی‌رغم توطئه‌ها، انقلاب افغانستان روز به روز قدرت بیشتری می‌گیرد.

برفودر کلیم بهادر، اندیشمند برجسته اسلامی هند و استاد دانشگاه جواهر لعل نهرو، که در سمپوزیوم مسائل صلح و امنیت در آسیا در تفلیس شرکت کرده بود، در یک مصاحبه مطبوعاتی از جمله گفت:

## اندریشمند برجسته اسلامی هند: شوروی همیشه دوست خلقهای مسلمان بوده است

برفودر کلیم بهادر، اندیشمند برجسته اسلامی هند و استاد دانشگاه جواهر لعل نهرو، که در سمپوزیوم مسائل صلح و امنیت در آسیا در تفلیس شرکت کرده بود، در یک مصاحبه مطبوعاتی از جمله گفت:

برنامه‌های دولت انقلاب افغانستان از جمله برنامه‌های اقتصادی، آزادی زنان و دیگر دگرگونیهای اقتصادی-اجتماعی با مخالفت رژیم نظامی پاکستان روبرو شده است، زیرا این رژیم از آن یم دارد که

## قاضی پاکستانی به افغانستان گریخت: قاضی پاکستانی از جنایات رژیم دست‌نشانده ضیاءالحق پرده برداشت

«رژیم دست‌نشانده ضیاءالحق، که با مخالفت روزافزون مردم این کشور روبروست، روز به روز بر شدت سرکوب می‌افزاید. از جمله پلیس چهل و سه کنگره

«رژیم دست‌نشانده ضیاءالحق، که با مخالفت روزافزون مردم این کشور روبروست، روز به روز بر شدت سرکوب می‌افزاید. از جمله پلیس چهل و سه کنگره

حقوقدانان نیز حمله ور شده است. این حقوقدان پاکستانی، ضمن اشاره به تبلیغاتی که در پاکستان علیه انقلاب افغانستان برای افتاده است، گفت: